

جنگ ترکیبی دشمن علیه امنیت سیاسی و راهکارهای قرآنی مقابله با آن

دکتر سیدسجاد آل سیدغفور*

اشاره

امروزه جمهوری اسلامی ایران با پیچیده‌ترین شکل تهدیدات تحت عنوان جنگ هیبریدی یا همان جنگ ترکیبی مواجه است. این پدیده که تلفیقی از تهدیدات نظامی، سایبری، اقتصادی، روانی و اطلاعاتی است، اساس امنیت سیاسی کشور را نشانه رفته است. پرسش این است که چگونه می‌توان با الهام از مفاهیم و راهبردهای قرآنی، الگویی بومی برای ارتقای امنیت ایران در برابر جنگ ترکیبی طراحی کرد.

قرن بیست و یکم شاهد تحولات شگرفی در عرصه منازعات بین‌المللی بوده است. اگرچه جنگ‌های کلاسیک همچنان محتمل‌اند، اما شکل بیشتر تهدیدها به سمت جنگ‌های نامتقارن، پیچیده و چندبعدی موسوم به «جنگ ترکیبی»^۱ حرکت کرده است. این نوع جنگ با به‌کارگیری هم‌زمان و هماهنگ ابزارهای نظامی، غیرنظامی، متعارف و نامتعارف، مرز بین جنگ و صلح را مخدوش می‌کند و هدف نهایی آن نه فقط شکست نظامی بلکه تسلیم سیاسی، فروپاشی داخلی و تغییر رفتار نظام حاکم بوده است.

* محقق رسمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. Hybrid Warfare.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت راهبردی، ایدئولوژی مستقل و نقش آفرینی فعال، همواره در کانون تهدیدهای دشمنان قرار داشته است. این تهدیدها در سال‌های اخیر ماهیت ترکیبی به خود گرفته‌اند؛ از تحریم‌های همه‌جانبه اقتصادی و حملات سایبری تا جنگ روانی گسترده از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و دامن‌زدن به اغتشاشات داخلی. مقابله مؤثر با این پدیده چندوجهی، مستلزم تدوین استراتژی‌هایی است که افزون بر بهره‌گیری از ابزارهای مدرن، ریشه در فرهنگ، اعتقادات و باورهای بومی جامعه داشته باشد.

با پذیرش این فرض که آموزه‌های قرآنی در جایگاه مهم‌ترین منبع معرفتی بشر، دربرگیرنده بینش‌های استراتژیک برای مدیریت بحران و اداره جامعه هستند، مطالعات میان‌رشته‌ای میان علوم سیاسی، امنیتی و تفسیر قرآن کریم، در مقام پاسخ‌گویی به این پرسش است که مؤلفه‌های اصلی جنگ ترکیبی علیه ایران کدام‌اند؟ و چگونه می‌توان با الهام از قرآن، راهبردهایی برای خنثی‌سازی آنها تدوین کرد؟

چارچوب مفهومی

جنگ ترکیبی؛ ماهیت و ابعاد

به دلیل پیچیدگی‌های فزاینده در جهان کنونی، پدیده‌ها نیز با پیچیدگی و چندوجهی مواجه شده‌اند. جنگ نیز به دلیل ماهیت و ویژگی، دچار تحول بنیادین شده است. انواع و اقسام جنگ‌های نظامی از نظر وسعت، شدت، مدت، انگیزه، نوع صحنه نبرد، نوع سلاح و ... مطابق با چهار دسته کلی جنگ‌های سنتی (تجربه‌محور)، جنگ‌های مدرن (فرایندمحور)، جنگ‌های فرانوین (پست‌مدرن یا تأثیرمحور) و جنگ‌های آرمان‌طلبانه (آرمان‌محور) قابل دسته‌بندی و طبقه‌بندی است.^۱

جنگ ترکیبی را می‌توان مجموعه‌ای هماهنگ و طراحی‌شده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، سایبری و نظامی به منظور دستیابی به اهداف راهبردی بدون عبور از آستانه جنگ تمام‌عیار تعریف کرد. ویژگی‌های کلیدی جنگ ترکیبی عبارت‌اند از:

۱. تلفیق تهدیدات: استفاده هم‌زمان از جنگ سایبری، عملیات روانی، فشار اقتصادی، به‌کارگیری گروه‌های نیابتی و در صورت لزوم، تهدید نظامی محدود.

۱. سیدمحسن یاراندی، جنگ ترکیبی و جنگ آرمانی: نسل‌های جدید جنگ، ص ۵.

۲. ابهام در منبع حمله: پنهان نگه داشتن هویت مهاجم یا انکار آن تا پاسخ‌گویی را برای طرف هدف دشوار کند.

۳. هدف‌گیری جامعه و حکومت: تمرکز بر افکار عمومی، تضعیف مشروعیت نظام سیاسی، ایجاد شکاف بین حاکمیت و ملت و تخریب تاب‌آوری ملی.

۴. فراگیری زمانی: مهم آن است که دانسته شود این نوع خاص جنگ همواره و در همه حال جریان دارد و محدود به میدان نبرد نیست.

لازمه مدیریت جنگ‌های ترکیبی، همکاری‌های گسترده میان ارگان‌های نظامی و غیرنظامی خواهد بود که نماینده مجموعه متنوعی از دولت‌ها، سازمان‌های بین دولتی و سازمان‌های غیردولتی هستند. وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در پی ایجاد کادری از رهبران ارشد نیروهای مشترک برای فرماندهی عملیات راهبردی در منازعه‌های چندوجهی است.^۱

امنیت سیاسی؛ از تعریف تا شاخص‌ها

امنیت جوامع بشری به پنج دسته امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم می‌شود که البته به یکدیگر مرتبط‌اند. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌بخشند. در اندیشه سیاسی مدرن، دولت در فضای آنارشی بین‌المللی، مسئول امنیت و مراقبت از آن است. بر اساس این دیدگاه، دولت‌ها موضوع اصلی امنیت هستند.^۲

امنیت سیاسی به معنای حفظ تمامیت، استقلال، ثبات و مشروعیت نظام سیاسی در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی است. برای جمهوری اسلامی ایران این مفهوم دربرگیرنده شاخص‌های حیاتی زیر است:

۱. مشروعیت: پذیرش مردمی و مبتنی بر آموزه‌های دینی؛

۲. ثبات: توانایی نظام در مدیریت بحران‌ها و جلوگیری از فروپاشی داخلی؛

۳. استقلال: توانایی تصمیم‌گیری بدون دخالت و فشار خارجی؛

۴. حاکمیت: اعمال اقتدار بر قلمرو و منابع ملی.

جنگ ترکیبی به طور مستقیم این چهار شاخص را نشانه می‌رود.

۱. ای باراک سال مونی و همکاران، «پرورش رهبران راهبردی برای منازعه آینده»، ص ۷۹.

۲. باری بوزان، مردم، دولت و هراس‌ها، ص ۳۷.

مؤلفه‌های جنگ ترکیبی دشمن علیه امنیت سیاسی ایران

جنگ ترکیبی دشمن علیه امنیت سیاسی ایران، دارای مؤلفه‌های ذیل است:

۱. جنگ اقتصادی: تحریم‌ها و جنگ نفتی

تحریم‌های ظالمانه آمریکا و متحدان آن به‌ویژه تعدادی از کشورهای اروپایی علیه ایران، نمونه بارزی از یک رکن جنگ ترکیبی است. این تحریم‌ها با هدف فلج کردن اقتصاد کشور، ایجاد تورم و بیکاری، تحت فشار قراردادن معیشت مردم و درنهایت وادار کردن حکومت به تغییر رفتارهایش طراحی شده‌اند. این تهدید مستقیماً شاخص‌های ثبات از طریق ایجاد نارضایتی و استقلال تحمیل اراده خارجی را هدف می‌گیرد.

۲. جنگ سایبری و اطلاعاتی

ایران همواره هدف حملات سایبری پیچیده مانند استاکسنت^۱ بوده است. اهداف این حملات، شامل تخریب زیرساخت‌های حیاتی (نیروگاه‌ها، تأسیسات نفتی)، سرقت اطلاعات محرمانه و اخلال در خدمات عمومی است. این بُعد از جنگ ترکیبی، حاکمیت ملی را به چالش می‌کشد.

۳. جنگ روانی و رسانه‌ای

جنگ روانی و رسانه‌ای گسترده‌ترین و مؤثرترین بُعد جنگ ترکیبی است. دشمن با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های خارجی و داخلی وابسته و ابزارهای فرهنگی، می‌کوشد با اقدامات زیر امنیت سیاسی را تخریب کند:

(الف) شایعه‌پراکنی: ایجاد ناامیدی در جامعه؛

(ب) تقویت شکاف‌های اجتماعی: دامن زدن به اختلاف‌های قومی، مذهبی و نسلی؛

(ج) تحریف تاریخ و هویت: تضعیف اعتماد مردم به رهبران و نهادهای نظام؛

(د) عادی‌سازی روابط با دشمن: ترویج فرهنگ تسلیم و نفی مقاومت.

۱. Stuxnet بدافزاری رایانه‌ای است که نخستین بار در سال ۲۰۱۰ شناسایی شد. این بدافزار با استفاده از نقص امنیتی موجود در ویندوز، با آلوده کردن رایانه‌های کاربران صنعتی فایل‌هایی را گردآوری و به سروری خاص می‌فرستد. شصت درصد کامپیوترهایی که مورد حمله این ویروس هستند، در ایران قرار دارند. این بزرگ‌ترین حمله بدافزارها به رایانه‌های صنعتی ایران در چند سال اخیر بوده است. استاکسنت در سیستم‌های رایانه‌ای فعال شده، اسرار درون کامپیوتر را می‌دزد و روی اینترنت منتشر می‌کند. بر پایه اطلاعاتی که منتشر شده، حوزه اصلی فعالیت این ویروس، کشور ایران بوده و دو کشور اندونزی و هند از دیگر مناطق عملیاتی این ویروس اعلام شده‌اند.

این حملات قلب مشروعیت نظام را نشانه رفته است و پیوند بین ملت و حکومت را سست می‌کند.

۴. براندازی نرم و اغتشاشات داخلی

حمایت مالی، رسانه‌ای و لجستیکی از گروه‌های معترض و تبدیل اعتراض‌های قانونی به اغتشاشات خشونت‌بار از دیگر ابزارهای جنگ ترکیبی است. نمونه‌های این مدل را در حوادث و اغتشاشات سال‌های ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ می‌توان مشاهده کرد. هدف دشمن در این گونه موارد این است که با ایجاد ناامنی داخلی، هزینه حکمرانی را افزایش دهد و تصویر یک کشور ناپایدار بی‌ثبات را به جهان القا کند که به ثبات و امنیت ملی لطمه می‌زند.

راهکارهای قرآنی مقابله با جنگ ترکیبی

قرآن کریم، کتاب زندگی و ارائه‌دهنده برنامه‌ای جامع برای اداره فرد و جامعه در تمام شرایط از جمله دوران سخت تقابل و بحران است. در آیات متعددی از قرآن کریم به جنگ ترکیبی دشمن اشاره شده است؛ برای نمونه در سوره «احزاب»، تاکتیک‌های مشرکان و یهودیان بنی قریظه در جنگ احزاب بیان شده است. دشمنان اسلام در این جنگ از چند جبهه مختلف برای محاصره و نابودی مدینه و حکومت نوپای پیامبر ﷺ استفاده کردند:

الف) جبهه نظامی متعارف: لشکرکشی قریش و متحدانش؛

ب) جبهه روانی و جنگ نرم: شایعه‌پراکنی و تضعیف روحیه مؤمنان؛

ج) جبهه داخلی (نفوذ): همکاری منافقان داخل مدینه؛

د) جبهه متحدان استراتژیک: خیانت قبیله یهودی بنی قریظه در پشت جبهه مسلمانان.

خداوند در سوره «احزاب» به تحلیل این جنگ و ارائه راهکارهای آن پرداخته است.

کتاب مقدس مسلمانان تنها به تاکتیک‌های دشمنان اسلام بسنده نمی‌کند، بلکه بر اساس آیات قرآن کریم، می‌توان به راهکارهای مقابله با جنگ ترکیبی هم دست یافت که در این بخش به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. الگوی قرآنی مقابله با جنگ اقتصادی: صبر و توکل و اقتصاد مقاومتی

خداوند متعال در برابر فشار اقتصادی دشمن، مفهوم «صبر» را پیشنهاد می‌دهد؛ البته نه به معنای انفعال که به معنای «استقامت فعالانه»: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...» ای

کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبایی کنید و [دشمن را] به شکیبایی وادارید و [در برابر دشمن] آماده باشید...»^۱. این آیه یک استراتژی سه‌بعدی را ترسیم می‌کند:

الف) «اصبروا: بر خود شکیبا باشید»: تقویت تاب‌آوری ملی و تحمل سختی‌ها؛
ب) «صابروا: بر دشمن نیز شکیبایی ورزید - یعنی او را به ستوه آورید»: افزایش قدرت چانه‌زنی و از میدان به‌درکردن دشمن با تداوم مقاومت؛

ج) «رابطوا: مرزها را نگهبانی کنید و آماده باشید»: تقویت بنیه دفاعی و امنیتی.
همچنین تأکید قرآن بر خودانگیزی و بهره‌گیری از نعمت‌های الهی در آیه «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ...»^۲ پایه نظری «اقتصاد مقاومتی» است که در آن به مواردی چون کاهش وابستگی، تقویت تولید داخلی و عبور از اقتصاد تک‌محصولی تأکید می‌شود.

۲. الگوی قرآنی مقابله با جنگ روانی: تقوا، اتحاد و تبیین حق

خداوند در قرآن به‌خوبی از تاکتیک‌های جنگ روانی دشمنان (نشر اکاذیب، تهدید، تفرقه‌افکنی) پرده برمی‌دارد و راهکارهای مقابله را ارائه می‌دهد. این راهکارها عبارت‌اند از:

الف) تقوا، عامل مصونیت: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرِبْكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا: و اگر صبر کنید و تقوا پیشه کنید، نیرنگ آنها هیچ زبانی به شما نمی‌رساند»^۳. تقوای جمعی، جامعه را از تلقینات مایوس‌کننده مصون می‌دارد.

ب) اتحاد و پرهیز از تفرقه: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا: همگی به ريسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید»^۴. جنگ روانی دشمن برای ایجاد تفرقه است و قرآن کریم قوی‌ترین پادزهر را «اتحاد بر محور حق» می‌داند.

ج) تبیین حق و افشای باطل (جهاد تبیین): قرآن در مواجهه با تبلیغات دشمن، دستور به بیان روشن حقایق می‌دهد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ: با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت کن»^۵. این آیه اساس «جهاد تبیین» است که بر این اساس

۱. آل عمران: ۲۰۰.

۲. ملک: ۱۵.

۳. آل عمران: ۱۲۰.

۴. آل عمران: ۱۰۳.

۵. نحل: ۱۲۵.

استفاده از منطق، حکمت و شیوه‌های اقناعی برای خنثی کردن جنگ روانی دشمن ضروری است.

۳. الگوی قرآنی مقابله با تهدیدات امنیتی: شناخت دشمن و تقویت درونی

قرآن کریم در سوره «احزاب» به وصف حال مسلمانان در آن محاصره سخت، هجوم چندجانبه و آزمایش ایمان می‌پردازد: «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا * وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا: و [یاد کن] هنگامی را که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است، می‌گفتند: خدا و رسولش جز فریب به ما وعده نداده‌اند. و [نیز] هنگامی که گروهی از آنان [به مردم] گفتند: ای اهل یثرب، اینجا جای ماندن برای شما نیست، پس بازگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه [خروج از میدان نبرد] می‌خواستند و می‌گفتند: خانه‌های ما بی حفاظ است، درحالی‌که بی حفاظ نبود؛ آنان فقط می‌خواستند بگریزند».^۱ بر اساس این آیه، در مقابله با تهدیدهای امنیتی باید راهکارهای ذیل اجرا شود:

الف) شناخت دشمن و تاکتیک‌های آنها: اولین گام، شناسایی دقیق ابعاد مختلف جنگ است: تهدید نظامی خارجی، جنگ روانی برای تضعیف روحیه (غرور) و اقدامات منافقان برای ایجاد تفرقه و فراری دادن مردم از صحنه مقاومت. سیستم امنیتی نظام اسلامی باید بتواند این محورها را به روشنی تشخیص دهد. در سوره «احزاب» الگوی پایداری مؤمنان واقعی به خوبی نشان داده شده است: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا: و هنگامی که مؤمنان [لشکر] احزاب را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده داده بودند و خدا و فرستاده‌اش راست گفتند. و [این سختی] بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود مگر [ایمان و تسلیم را]».^۲

ب) تقویت بنیه ایمانی و روحیه مقاومت: مهم‌ترین سلاح در برابر جنگ ترکیبی، «ایمان» و «تسلیم» در برابر اراده الهی است. این آیه نشان می‌دهد مؤمنان تهدیدها را نه یک فاجعه، بلکه

۱. احزاب: ۱۲-۱۳.

۲. احزاب: ۲۲.

و عده الهی برای آزمایش و پیروزی نهایی می‌دانند. تقویت معنویت و انگیزه‌های دینی در جامعه، سپر محکمی در برابر جنگ روانی دشمن است.

قرآن کریم با روایت داستان احزاب، به مؤمنان می‌آموزد که پیروزی نهایی از آن کسانی است که با وجود شناخت دشمن و استفاده از تمامی ابزارهای مادی، توکل و ایمان را اصل اساسی خود قرار دهند: «وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ»^۱ و خداوند مؤمنان را از جنگ کفایت کرد».

راهکارهای قرآنی در استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

امروزه برای استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی ایران راهکارهای مختلفی وجود دارد؛ از جمله:

الف) الگوگیری از جنگ احزاب

خداوند متعال به دو عامل کلیدی در شکست محاصره احزاب اشاره می‌کند:

۱. تدبیر و نوآوری (ایده خندق): اگرچه قرآن به صراحت به خندق اشاره نمی‌کند، اما به عزم پیامبر ﷺ و مؤمنان اشاره دارد. سنت تاریخی نشان می‌دهد تدبیر و استراتژی جدید (حفر خندق به پیشنهاد سلمان فارسی) که دشمن را غافلگیر کرد، عامل اصلی شکست محاصره بود.

۲. عزم راسخ خداوند: در سوره احزاب بیان شده است: «وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغِظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا»^۲ خداوند کافران را با خشم و غیظشان بازگرداند؛ در حالی که به خیر و بهره‌ای نرسیدند. و خداوند مؤمنان را از جنگ [سخت] کفایت کرد و خداوند توانمند پیروزمند است».

جمهوری اسلامی باید با بهره‌گیری از خرد جمعی و نوآوری (مثل اقتصاد مقاومتی، پیشرفت علمی، دفاع سایبری) خندق‌های جدیدی در برابر دشمن ایجاد کند؛ همچنین به وعده الهی مبنی بر کفایت نصرت برای مؤمنان پایدار ایمان داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران با الهام از درس‌های قرآن به‌ویژه در جنگ احزاب، می‌تواند برای مقابله با جنگ ترکیبی به این مثلث راهبردی عمل کند:

۱. قدرت سخت (خندق دفاعی): تقویت توان دفاعی، امنیتی و اقتصادی برای ایستادگی در

برابر محاصره؛

۱. احزاب: ۲۵.

۲. احزاب: ۲۵.

۲. قدرت نرم (ایمان و بصیرت): تقویت بنیان‌های اعتقادی، وحدت ملی و روحیه مقاومت در میان مردم؛
۳. هوشمندی استراتژیک (تدبیر سلمان‌گونه): به‌کارگیری نوآوری، علم و تدبیر برای غافلگیر کردن دشمن در تمام عرصه‌ها.

ب) الگوگیری از جنگ تحمیلی و استراتژی دفاع مقدس

هشت سال دفاع مقدس اگرچه عمدتاً یک جنگ متعارف بود، اما دارای ابعاد ترکیبی (جنگ روانی، فشار بین‌المللی، تحریم) نیز بود. استراتژی امام خمینی علیه السلام در جنگ تحمیلی به‌خوبی دارای مبانی قرآنی ذیل بود:

۱. تکیه بر صبر و استقامت ملت: شعار «ما می‌توانیم» و تحمل سختی‌ها؛
۲. وحدت کلمه: بسیج تمامی افشار ملت در پشت جبهه؛
۳. تقوا و معنویت: ایمان رزمندگان با عنوان اصلی‌ترین عامل پیروزی؛
۴. حکمت و دوراندیشی: پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در زمانی که ادامه جنگ به صلاح نبود، اقدامی حکیمانه.

الگوی امنیت سیاسی قرآن در عصر حاضر

جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران، واقعیت پیچیده و مستمری است که امنیت کشور را از جنبه‌های مختلف هدف گرفته است. مقابله موفق با این پدیده، تنها با تکیه بر ابزارهای سخت‌افزاری ممکن نیست و نیازمند ارائه الگوی نرم‌افزاری و معنوی است که بتواند تاب‌آوری، وحدت و هوشیاری ملی را افزایش دهد. قرآن کریم در جایگاه منبعی غنی و بومی، سرشار از مفاهیم و راهبردهای استراتژیک برای مدیریت چنین بحران‌هایی است. مفاهیمی مانند صبر (تاب‌آوری فعال)، اتحاد (انسجام داخلی)، تقوا (مصونیت روانی)، حکمت (عقلانیت و خلاقیت در مدیریت) و اعداد قوه (قدرت‌افزایی همه‌جانبه) می‌توانند هسته مرکزی یک دکترین امنیتی جامع و مقاوم را تشکیل دهند. با ترکیب مباحث پیشین، می‌توان الگوی بومی زیر را برای امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران طراحی کرد:

بهدید جنگ ترکیبی مدرن	راهکار استراتژیک	مفهوم قرآنی پشتیان	راهکار عملیاتی
جنگ اقتصادی	اقتصاد مقاومتی، توسعه روابط اقتصادی جدید	صبر، توکل، استفاده از نعمت‌های الهی	جهش در تولید داخلی، توسعه کشاورزی، دوزدن تحریم‌ها
جنگ روانی	جهد تبیین، دیپلماسی رسانه‌ای	تقوا، اتحاد، حکمت در دعوت	تولید محتوای اثرگذار، مدیریت فضای مجازی، افشای دروغ‌ها
تهدیدات سایبری/ امنیتی	تقویت سایبری، دفاع هوشمند	اعداد قوه، رباط، مراقبت	توسعه نیروی انسانی متخصص، ساخت سامانه‌های دفاعی بومی
تفرقه‌افکنی داخلی	وحدت ملی، گفتگوی نخبگان	اعتصام بحبل‌الله، نهی از تفرقه	تقویت انسجام اجتماعی، پرهیز از قطبی‌سازی‌های بی‌ثمر

بهره‌گیری از این الگوی قرآنی نه تنها جمهوری اسلامی ایران را در برابر تهدیدهای جنگ ترکیبی مقاوم‌تر خواهد کرد، بلکه می‌تواند الهام‌بخش سایر ملت‌های آزادی‌خواه جهان برای طراحی مدل‌های بومی در مقابله با تهدیدهای جدید باشد.

در مسیر تحقق این هدف، پیشنهادهای عملی ذیل مطرح می‌شود:

۱. نهادهای فرهنگی: مفاهیم قرآنی استخراج‌شده (مانند صبر استراتژیک، جهد تبیین) باید از طریق رسانه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها به گفتمان رایج جامعه تبدیل شوند.

۲. نهادهای امنیتی و نظامی: استراتژی‌های مقابله باید بر اساس الگوی «صبر + مراقبت + قدرت» بازتعریف شود و آموزش‌های عقیدتی - قرآنی در کنار آموزش‌های فنی تقویت گردد.

۳. دیپلماسی رسمی: دیپلماسی فعال برای افشای ابعاد جنگ ترکیبی دشمن در مجامع بین‌المللی، مصداق «حکمت» در عرصه بین‌الملل است.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. بوزان، باری، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸ ش.
۲. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۶۹ ش.
۳. مردایان، محسن و سایر همکاران، هنر جنگ، تهران: انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد فرآجا، [بی‌تا].
۴. یارندی، سیدمحسن، جنگ ترکیبی و جنگ آرمانی: نسل‌های جدید جنگ، تهران: مرکز تحقیقات دفاعی راهبردی، ۱۳۹۴ ش.
۵. سال مونی، ای باراک و سایر همکاران، «پرورش رهبران راهبردی برای منازعه آینده»، ترجمه: میثم بهروش، فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۱۰۱، ۱۳۹۰ ش.

سنت نصرت الهی در یاری جبهه حق از منظر قرآن

حجت الاسلام والمسلمین محمد عزتی بخشایش *

اشاره

یکی از سنت‌های تغییرناپذیر الهی که در آیات قرآن کریم و تجربه تاریخی امت‌ها تکرار شده است، نصرت الهی است. بر اساس این سنت، خداوند متعال افزون بر یاری پیامبران و مؤمنان، در نهایت پیروزی را نصیب جبهه حق می‌کند. تاریخ بشر و مقاومت مؤمنان در برابر طاغوت‌ها و مستکبران، گواهی روشن بر تحقق این وعده الهی است. در طول مسیر اگرچه گاهی شکست‌های ظاهری، رنج‌ها و ابتلائات سهم مؤمنان می‌شود، اما این رخدادها نقض نصرت الهی نیست، بلکه زمینه‌ساز پیروزی‌های پایدار و برکات گسترده است. قرآن کریم با بیان آیات متعدد، وعده نصرت را تضمین می‌کند و رهبران الهی و مصلحان نیز با تکیه بر همین سنت، استقامت و پایداری در برابر دشمنان را تبیین نموده‌اند. نوشتار حاضر ضمن بررسی ادله قرآنی نصرت الهی، شرایط و لوازم تحقق آن را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که ایمان، عمل برای خدا، استقامت در راه حق، توکل و آمادگی دفاعی، مقدمه‌ای بهره‌مندی از این سنت قطعی الهی است.

نصرت الهی، سنت همیشگی

خداوند متعال در آیات مختلفی از قرآن کریم وعده به نصرت مؤمنان داده است و این سنت، بارها در جریان‌هایی که خداوند نقل می‌کند، اتفاق افتاده است. سرگذشت حضرت ابراهیم با نمرود، پیروزی حضرت موسی علیه السلام بر فرعون، نبرد طالوت با جالوت، جنگ بدر، جنگ احزاب، جنگ حنین، فتح مکه و جریان‌های دیگری که در قرآن از آنها یاد شده است، نمونه‌هایی از تحقق سنت نصرت الهی در دوره‌های مختلف است؛ از این رو وعده‌ای که خداوند برای نصرت مؤمنان داده است، همیشگی است و در طول زمان تا قیامت جریان دارد. خداوند برای بیان این

* دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم.

تداوم فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُنَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر [دین] خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد».^۱ این خطاب و ندا برای همیشه وجود دارد؛ از این‌رو خداوند در ادامه صیغه مضارع «يَنْصُرْكُمْ وَ يُنَبِّتْ» را به کار برده است. در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ: به‌یقین ما فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روز [رستاخیز]ی که گواهان به پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم».^۲ در این آیه واژه «نَصْرُ» در آیه مضارع آمده است؛ یعنی نصرت خداوند محدود به یک بار و یک مقطع نیست، بلکه جاری و همیشگی است. خداوند وعده داده است که نه‌تنها در گذشته یاری کرده، بلکه امروز و فردا نیز پیوسته و بی‌وقفه یاری خواهد کرد. تأکید «لام» در آیه هم بشارتی است به اهل ایمان که نصرت الهی، یقینی و شکست‌ناپذیر است؛ بنابراین پروردگار همواره پیامبران و مؤمنان را در دنیا و آخرت پشتیبانی می‌کند و این وعده هرگز تخلف ندارد.

شرایط تحقق نصرت الهی

بر اساس آیات قرآن، تحقق نصرت الهی نیاز به شرایطی دارد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین شرایط اشاره می‌شود.

۱. ایمان و باور به وعده الهی

مهم‌ترین عامل در تحقق سنت نصرت الهی، ایمان‌داشتن به تحقق وعده‌های الهی است؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ: یاری مؤمنان، حقی بر عهده ماست».^۳ این باور ناشی از باور به خداست، باور به قدرت مطلقه خداوند است. باور به اینکه خدایی جز خداوند سبحان نیست. از این‌رو به‌زبان آوردن جمله کوتاه «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا: بگوئید نیست خدایی، جز الله رستگار شوید»^۴ موجب رهایی از کفر و ورود به دین اسلام می‌شد. شهید مطهری در تبیین مفهوم والای این جمله کوتاه می‌نویسد: «دعوت اسلام، حُسن مطلع عجیبی داشت. این جمله با همه اختصار و کوتاهی چون مشتمل بر آزادی بشر از

۱. محمد: ۷.

۲. غافر: ۵۱.

۳. روم: ۴۷.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲.

هر معبودی جز خالق کل هست و چون مشتمل بر تحقیر هر معبودی در مقابل انسان است، در روحیه‌ها نوعی حماسه و احساس شخصیت به وجود آورد: من در مقابل بت، در مقابل یک بشر، در مقابل یک جرم سماوی، در مقابل کائنات و مافیها سرفرودم؟ ابداً، من فقط به درگاه خداوند خالق خودم و همه آنها سرفرودم می‌آورم».^۱

سرچشمه تخلف از وعده‌ها، یا عجز است یا جهل یا پشیمانی که خداوند از آنها منزّه است.^۲ وقتی انسان کل عالم را زیر سایه خداوند متعال دید و او را مالک هرچه در جهان هست، دانست: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ: بگو خداوند مالک حکومت‌ها تویی».^۳ در این حالت وعده‌های خداوند را محقق شده خواهد دانست و با عمق وجود به تحقق وعده‌های او ایمان خواهد داشت: «وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: این وعده‌ای است که خدا کرده و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند»؛^۴ هرچند تمام عالم علیه او جمع شوند و وعده‌های الهی را نشدنی پندارند. اما انسان مؤمن باورمند به حقانیت وعده‌های خداوند، با تمام وجود به خداوند تکیه می‌کند: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ: اینها کسانی بودند که [بعضی از] مردم، به آنان گفتند مردم [لشکر دشمن] برای [حمله به] شما اجتماع کرده‌اند، از آنها بترسید. اما این سخن، بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ماست».^۵ آنان در این موضع، میان نیروی دشمنانی که برای رویارویی با ایشان گرد آمدند و قدرت مطلق خداوند که هرگونه نیرو را به مشیت خود می‌بخشد یا باز می‌ستاند، سنجش کردند. سپس بر این اساس، جانب پیوند با قدرت مطلق الهی را گرفتند و در برابر نیروی محدود سر فرود نیاوردند. از این رو احساس بی‌نیازی به غیر خدا کردند؛ زیرا خداوند است که از همه چیز بی‌نیاز می‌سازد و هیچ چیز از او بی‌نیاز نمی‌گردد.^۶

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۶۳۱.

۲. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۷، ص ۱۸۰.

۳. آل عمران: ۲۶.

۴. روم: ۶.

۵. آل عمران: ۱۷۳.

۶. سید محمد حسین فضل الله، من وحی القرآن، ج ۶، ص ۳۹۰.

۲. نصرت دین خدا

باور به حقانیت تحقق وعده‌های الهی، به این معنا نیست که مؤمنان دیگر هیچ وظیفه‌ای ندارند و باید از حرکت بایستند، بلکه عکس آن است و باید حرکت مؤمنان در مقابله با دشمنان خداوند بیشتر شود و این در سایه قرارگرفتن زیر پرچم خداوند متعال است که پیروزی نهایی با اوست. وقتی انسان خود را زیر پرچم قدرت مطلق و لایزال ببیند، سبب شکوفایی انگیزه و امید در وی خواهد شد و تلاشش برای پیروزی چندبرابر می‌شود؛ از این‌رو خداوند یکی از شرایط تحقق نصرت خویش را حرکت مؤمنان و پشتیبانی آنها از خود می‌داند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامُكُمْ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر [دین] خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند؛ و گام‌هایتان را استوار می‌دارد».^۱ شرط تحقق نصرت خدا، یاری دین خدا از سوی مؤمنان است. «تعبیر به یاری کردن خدا به‌وضوح به معنی یاری کردن آیین اوست، یاری کردن پیامبر او و شریعت و تعلیمات او. و لذا در بعضی دیگر از آیات قرآن، یاری کردن خدا و رسولش در کنار یکدیگر قرار داده شده است».^۲

آنچه در یاری کردن دین خداوند متعال مهم است، نیت مؤمنان جهادگر است. «مقصود از یاری کردن خدا این است که در راه او جهاد کنند؛ بدین معنا که تنها برای رضای خدا بجنگند، در تأیید دین او و برای سربلندی کلمه حق، نه برای سروری کردن در زمین یا دست‌یافتن به غنیمی یا نشان‌دادن توان و شجاعت خود».^۳

۳. صبر و استقامت

ایمان و یاری دین خداوند هرچند بسیار مهم است، اما تنها گام نخست در تحقق وعده نصرت الهی هستند. بسیاری از مؤمنان در این وادی گام گذاشتند و به نبی زمان خویش ایمان آوردند و حتی در جهاد به یاری وی شتافتند، همانند لشکریان جناب طالوت که به دستور نبی خویش برای جهاد با جالوت به میدان نبرد آمدند؛ اما همین افراد در میانه راه صبرشان تمام شد: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً

۱. محمد: ۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۲۵.

۳. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۸، ص ۲۲۹.

كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ: هنگامی که طالوت سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت خداوند شما را به وسیله یک نهر آب آزمایش می‌کند؛ آنها [که به هنگام تشنگی] از آن بنوشند، از من نیستند و آنها که جز یک پیمانه با دست خود بیشتر از آن نخورند، از من هستند؛ جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او و افرادی که با او ایمان آورده بودند، از آن نهر گذشتند، [عده‌ای] گفتند امروز، ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم، اما آنها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد، گفتند چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند. و خداوند با صابران و استقامت‌کنندگان است.^۱ نمونه دیگر کسانی هستند که در جنگ احد در میانه راه فریب مال دنیا را خوردند و از فرمان پیامبر سرپیچی کردند و نتیجه آن، شکست مسلمان و شهادت تعدادی از مؤمنان شد.

آنچه در تحقق نصرت الهی نقش برجسته‌ای دارد، صبر و استقامت در این راه است؛ کلید تحقق وعده الهی، استقامت و خسته‌نشدن است. بر همین اساس خداوند شرط غلبه مؤمنانی که تعدادشان از مشرکان اندک است را صبر آنها می‌داند: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ: اگر از شما بیست تن شکیبا باشند، بر دویست تن پیروز می‌گردند».^۲ این شرط، نوعی امر به صبر است؛ یعنی اگر شما خواهان پیروزی هستید، باید صبر و استقامت داشته باشید.^۳

مقام معظم رهبری در تفسیر آیه «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا: و اینکه اگر آنها در راه [ایمان] استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم»^۴ می‌فرماید: «ماء غدق یعنی سیراب کردن از آب فراوان و آب زلال که مفسرین می‌گویند، کنایه از حل همه مشکلات زندگی است. اگر در این راه پافشاری کنید، استقامت کنید - استقامت یعنی منحرف‌نشدن - درست حرکت کنید، در همین طریق مستقیم حرکت بکنید، مسلماً مشکلات زندگی هم حل خواهد شد، گرفتاری‌ها برطرف خواهد شد، ضعف‌ها برطرف خواهد شد؛ ما باید به این نکته همیشه توجه داشته باشیم».^۵

نقطه مقابل استقامت، سستی و فشل بودن است. خداوند به این نکته تصریح می‌کند که

۱. بقره: ۲۴۹.

۲. انفال: ۶۵.

۳. محمد بن عمر فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۵، ص ۵۰۴.

۴. جن: ۱۶.

۵. سیدعلی خامنه‌ای، «بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی»، ۱۳۹۹/۱۱/۱۹.

سستی شما مؤمنان، مانع تحقق وعده نصرت الهی می‌شود. خداوند در جریان جنگ احد می‌فرماید: «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّنْ بَعْدَ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحْيَوْنَ: و به‌راستی خداوند به وعده خود وفا کرد که [در جنگ احد] به اذن وی آنان را از میان برداشتید تا اینکه سست شدید و در کار [خود] به کشمکش افتادید و پس از آنکه آنچه را دوست می‌داشتید به شما نمایاند، سرکشی کردید».^۱ در اینجا خداوند نصرت را مشروط به صبر و تقوا کرده است.^۲

بنابراین قرآن به‌شدت از سستی در مقابل دشمن نهی می‌کند، هرچند ضربه‌های شدیدی از دشمن به مؤمنان وارد شده باشد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ: و سستی نورزید و اندوهگین مباشید که اگر مؤمن باشید، شما برترید».^۳ قرآن برای دل‌داری و ایجاد انگیزه پیروزی و از بین بردن ناامیدی مسلمانان می‌فرماید اگر دشمنان در جنگ به شما آسیب زدند، شما نیز به آنها آسیب زدید: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ: اگر زخمی به شما [در احد] برسد، زخمی همانند آن به آن گروه رسیده است».^۴ مفسران گفته‌اند منظور از آسیب‌رساندن مسلمانان به مشرکان، در جنگ بدر است.^۵ این بدان معناست که نصرت خدا بر شما این‌گونه نیست که در هر جنگی اتفاق بیفتد، بلکه مهم پیروزی نهایی است.

اگر انسان ایمان واقعی داشته باشد و ایمان به خدا و وعده‌های وی در جانش رسوخ کرده باشد، در هیچ حالی سست و ناامید نمی‌شود؛ چراکه خداوند که ولی مؤمنان است، قادر مطلق است؛ پس شرط واقعی، ایمان است. بر همین اساس خداوند فرمود اگر مؤمن هستید، شما پیروزید و سستی در شما راه ندارد. علامه طباطبایی ذیل آیه می‌فرماید: «شما نباید در اراده خود سستی کنید و نباید بر آنچه از پیروزی بر دشمنان و غلبه بر آنان از دست دادید، اندوهگین شوید، اگر در شما ایمان باشد؛ زیرا ایمان همواره برتری شما را تضمین می‌کند؛ چراکه ایمان، با تقوا و صبر همراه است و اساس گشایش و پیروزی در همین دو نهفته است. اینکه برتری شما به ایمان مشروط شد، با آنکه خطاب متوجه مؤمنان بود، بدین جهت است که گرچه جمع مؤمنان ایمان را

۱. آل عمران: ۱۵۲.

۲. محمود زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۴۲۶.

۳. آل عمران: ۱۳۹.

۴. آل عمران: ۱۴۰.

۵. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۱۸.

از دست نداده‌اند، اما به لوازم آن همچون صبر و تقوا عمل نکردند؛ وگرنه اثر خود را نشان می‌داد.»^۱

۴. توکل به خدا

شرط چهارم برای تحقق نصرت الهی، توکل بر خداوند سبحان و قادر مطلق است؛ چراکه نصرت فقط در دست خداست: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ: پیروزی جز از جانبِ خدای شکست‌ناپذیر فرزانه نیست.»^۲ اگر خداوند ناصر انسان باشد، هیچ نیرویی نمی‌تواند انسان را شکست دهد. همان‌طور که در جریان حضرت یوسف علیه السلام، همه برادران خواستند او را به ذلت بکشانند و از یادها برود، زلیخا با تمام قدرت و امکاناتی که داشت، خواست یوسف را تابع خویش گرداند؛ ولی چون خداوند اراده کرده بود یوسف به عزت برسد، او را از بردگی به عزت رساند و وی را عزیز مصر گرداند.^۳ از این‌رو اگر خداوند کسی را نصرت دهد، پیروزی با اوست و اگر او را ذلیل کند، هیچ‌کس یارای کمک به وی را نخواهد داشت: «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ: اگر خدا شما را یاری کند، پس هیچ‌کس بر شما پیروز نخواهد شد و اگر شما را یاری نکند، پس کیست آن‌که بعد از او، شما را یاری کند؟ و مؤمنان پس باید تنها بر خدا توکل کنند.»^۴ راز این مطلب آنجاست که خداوند در توصیف قدرت خویش می‌فرماید: «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَ لَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ: و خدا بر کارش چیره است، ولیکن بیشتر مردم نمی‌دانند.»^۵ بر همین اساس امام سجاده علیه السلام چنین دعا می‌کند: «خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ وَ ضَاعَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَّا بِكَ: زیانکار شدند آنان که بر غیر تو وارد شدند و خسارت دیدند، آنان که جز به سوی تو روی آوردند و تباہ گشتند، آنان که به غیر تو پناه بردند.»^۶

۵. قدرت و آمادگی دفاعی

هرچند گفته شد نصرت و پیروزی حقیقی در اختیار خداست و هرکه را بخواهد، پیروز

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۲۷.

۲. آل عمران: ۱۲۶.

۳. برگرفته از: عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۴۰، ص ۳۸.

۴. آل عمران: ۱۶۰.

۵. یوسف: ۲۱.

۶. صحیفه سجاده، دعای ۴۶، ص ۲۰۶.

می‌گرداند؛ اما این سخن به معنای رهاکردن جنگ و عدم اقتدار و آمادگی دفاعی نیست. این عالم، عالم اسباب و مسببات است و سنت همیشگی خداوند، انجام امور از طریق اسبابش است؛ اما بدان معنا نیست که خداوند همه امور را واگذار به اسباب دیگر کرده است، بلکه خداوند مسبب‌الاسباب است و سببیت تمام اسباب به ساحت قدسی خداوند سبحان برمی‌گردد.^۱

خداوند متعال در قرآن کریم بر ضرورت قدرت و آمادگی دفاعی مسلمان تصریح می‌کند و می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ: و هرچه در توان دارید، از نیرو برای [مقابله با] آن دشمنان آماده کنید»؛^۲ یعنی در انتظار نمازید تا دشمن به شما حمله کند و آن‌گاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حد کافی آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن را داشته باشید.^۳ در این آیه باید به سه نکته توجه کرد:

اول: کلمه «مَا اسْتَطَعْتُمْ»؛ یعنی در این آمادگی هیچ حد یقینی وجود ندارد، بلکه هرچه در توان دارید، برای مقابله با دشمن آماده کنید. بنابراین هر سلاح و هر چیزی که موجب ترس دشمن شود، باید آماده کنید.

دوم: در ادامه آیه می‌فرماید: «تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ: به وسیله آن دشمن خدا و دشمنان را بترسانید»؛ یعنی میزان و معیار آمادگی، ایجاد ترس در دل دشمن است. در فرق بین «رهب» و «خوف» گفته شده است که «خوف» صرف ترس است؛ اما «رهب» ترسی که دوام دارد و تمام‌شدنی نیست.^۴ یعنی هدف‌گذاری که خداوند برای آمادگی دفاعی مسلمانان اعلام کرده است، ایجاد ترس همیشگی در دل دشمنان است.

سوم: کلمه «قُوَّة»؛ در تفسیر این کلمه گفته شده است: «کلمه "قوة" چه کلمه کوچک و پر معنایی است، نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را دربر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارد، شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی».^۵

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۲۴.

۲. انفال: ۶۰.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۱.

۴. ابو هلال حسن بن عبدالله عسکری، الفروق فی اللغة، ص ۲۳۶.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۲.

بنا بر آنچه گذشت، روشن می‌شود یکی از شرایط محقق‌شدن نصرت الهی، آمادگی مسلمانان است؛ به گونه‌ای که این آمادگی موجب ایجاد ترس همیشگی در دل دشمنان شود.

علت شکست مؤمنان با وجود سنت نصرت الهی

در زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان گاهی در کنار پیروزی‌ها، داغ‌ها و ناکامی‌ها هم رخ می‌دهد. این پرسش به ذهن می‌رسد که پس وعده نصرت الهی چه شد؟ خداوند در قرآن فرموده است: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ: به یقین ما فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روز [رستاخیز]ی که گواهان به‌پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم».^۱ فعل «نَنْصُرُ» مضارع است؛ یعنی یاری خداوند همیشگی و پیوسته است. اما باید توجه داشت که این نصرت، به معنای نبود شکست‌های مقطعی نیست. همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در احد و حنین با سختی روبرو شد و بسیاری از انبیا در مسیر رسالت خود به ابتلائات بزرگ گرفتار شدند.

نصرت الهی را نباید در قاب‌های کوچک دید. خداوند وعده نصرت داده است؛ ولی وعده نداده است که در تمام مقاطع زمانی نصرت محقق خواهد شد. اگر تنها به عصر عاشورا نگاه کنیم، گمان می‌کنیم جبهه حق شکست خورد؛ اما با امتداد نگاه در تاریخ می‌بینیم که همان خون مقدس، پایه‌های حکومت بنی‌امیه را لرزاند و تا امروز الهام‌بخش نهضت‌های آزادی‌خواه بوده است. نصرت الهی صرفاً یک نصرت بدون روح نیست، بلکه نصرت الهی کلاس تربیت است، کلاس رشد است، کلاس بزرگ‌شدن است. مؤمن در این کلاس با مصایب و سختی‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند و چه‌بسا عزیزترین انسان‌ها را از دست دهد؛ ولی نتیجه آن رشد و نمو اسلام است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ: او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها پیروز گرداند؛ اگرچه مشرکان ناخشنود باشند».^۲

همین سنت در زمان ما نیز جاری است. شهادت رهبران مقاومت، پایان کار آنان نبود؛ پرچمشان به دست نسل‌های بعد افتاد و راه ادامه یافت. مانند مسابقه امدادی، هر مجاهدی سهم خود را می‌دود و پرچم را به دیگری می‌سپارد تا درنهایت پیروزی نصیب جبهه حق شود. پس

۱. غافر: ۵۱.

۲. توبه: ۳۳.

شکست‌های ظاهری، پایان ماجرا نیست. نصرت الهی سنتی خدشه‌ناپذیر است که درنهایت جبهه حق را پیروز می‌کند؛ در دنیا با برکات شهادت و بیداری دل‌ها و در آخرت با عزت و فلاح ابدی.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، تنظیم: روح‌الله رزقی شهرودی، چ ۲، قم: نشر اسراء، ۱۳۹۶ ش.
۳. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل، چ ۳، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمدجواد بلاغی، چ ۳، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
۶. العسکری، ابوالهلال حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت: دارالافاق الجديدة، ۱۴۰۰ ق.
۷. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چ ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۸. فضل‌الله، سیدمحمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، چ ۲، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ ق.
۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، چ ۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ش.

راهکارهای قرآنی مدیریت افکار نوجوانان در جنگ‌ها و شرایط بحرانی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد فکوری*

اشاره

ترس و اضطراب در مواقع بحرانی مانند جنگ، واکنشی طبیعی به شمار می‌آید؛ اما اگر به‌درستی کنترل نشود، می‌تواند آسیب‌های جدی به فرد وارد کند. در این شرایط نه‌تنها جسم انسان، بلکه روح و روان او نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد. ترس یا جبن دارای دو جنبه است: جنبه‌ای ستایش‌شدنی که نشان‌دهنده ترس عقلانی و منطقی است؛ جنبه‌ای مذموم که بیان‌کننده ضعف نفس و سستی آن است. در متون دینی به اهمیت مدیریت ترس و اضطراب تأکید شده است. ترس از جنگ بخشی از غریزه بقاست که خداوند در وجود انسان‌ها قرار داده است و سرکوب آن نمی‌تواند مؤثر باشد. بنابراین باید این ترس به گونه‌ای مدیریت شود که به ترس مذموم تبدیل نگردد. نوجوانان در شرایط جنگ و بحران گروهی آسیب‌پذیر و نیازمند توجه ویژه هستند؛ از این‌رو کنترل ترس و اضطراب آنان از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌توان این موضوع را از دیدگاه آیات و روایات اسلامی بررسی کرد. با توجه به آموزه‌های اسلامی، می‌توان راهکارهای مؤثری برای کنترل ترس نوجوانان در شرایط جنگی ارائه داد و این روش‌ها می‌توانند به نوجوانان کمک کنند با آرامش و اطمینان بیشتری با چالش‌های ناشی از جنگ روبرو شوند.

۱. ادبیات مفهومی

در این بخش برای شناخت برخی از مفاهیم به تعریف آنها اشاره شده است.

۱-۱. نوجوانی

نوجوانی دوره‌ای از زندگی است که فرد از کودکی به مرحله‌ای دیگر از رشد منتقل می‌شود و

* دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه، علوم انسانی (گرایش قرآن و تربیت). mfakoori1370@chmail.ir

شامل تغییرات جسمی، شناختی، عاطفی و اجتماعی است. این دوره معمولاً از سنین ۱۱ تا ۲۰ سالگی را دربر می‌گیرد و به دلیل بلوغ سریع و تحولات هویتی، چالش‌های خاصی را برای نوجوانان و خانواده‌هایشان ایجاد می‌کند. نوجوانان در این زمان به دنبال استقلال، هویت و پاسخ به پرسش‌های بنیادی درباره خود و جایگاهشان در جامعه هستند.^۱

۱-۲. جنگ

جنگ پدیده‌ای پیچیده و ویران‌کننده است که آثار جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی بر افراد دارد. در سورة «بقره» به ناخوشایند بودن جنگ اشاره می‌شود، اما ادامهٔ آیه نشان می‌دهد که ممکن است این امر نیز دارای خیر و برکت باشد.^۲ جنگ با نگرش توحیدی، بخشی از نظام هستی و تحت اراده الهی است که در صورت داشتن هدفی الهی، می‌تواند فایده‌ای برای جامعه بشری داشته باشد. «جنگ هنر سازمان‌دادن و به‌کارگرفتن نیروهای مسلح برای انجام مقصود است».^۳

۱-۳. ترس

ترس احساسی طبیعی است که انسان را در برابر خطرهای محافظت می‌کند و نه تنها در زندگی دنیوی، بلکه در حفظ ایمان نیز مؤثر است. ترس عاملی در وجود انسان است که در برابر خطرهای، در انسان احساس ناخوشایندی به وجود می‌آورد و در صورت عدم مدیریت صحیح آن، به بهداشت روانی انسان لطمه وارد می‌شود. ترس احساسی ناخوشایند و طبیعی است که در پاسخ به خطرهای و تهدیدها ایجاد می‌شود و می‌تواند منجر به اضطراب و نگرانی در فرد گردد.^۴

۱-۴. مدیریت فکری

مدیریت فکری یعنی مجموعه‌ای از فرایندها و تکنیک‌ها که به افراد کمک می‌کند بر افکار و احساسات خود تسلط یابند و عملکرد ذهنی خود را بهبود بخشند. این مفهوم شامل مهارت‌هایی نظیر تمرکز، مدیریت استرس، تصمیم‌گیری هوشمندانه، تغییر نگرش و بهبود عملکرد شناختی است.^۵ در این راستا، کنترل ترس نوجوانان در شرایط بحرانی مانند جنگ، نیازمند استفاده از این

۱. هادی حسین خانی، «نگاهی به تحولات دوران نوجوانی: جسمی، جنسی، شناختی و اخلاقی»، ص ۳۴ - ۴۰.

۲. بقره: ۲۱۶.

۳. احمد نخجوان، جنگ، ص ۱۹ - ۳۵.

۴. ابراهیم امیدی، «تبیین ترس با رویکرد جنگ نرم از دیدگاه قرآن»، ص ۲.

مهارت‌ها و همچنین بهره‌گیری از آموزه‌های دینی است. با تقویت ایمان، آموزش مدیریت استرس، استفاده از داستان‌های عبرت‌آموز و توسعه مهارت‌های اجتماعی، نوجوانان می‌توانند با ترس‌های خود مقابله کنند و در شرایط دشوار، آرامش و اعتمادبه‌نفس بیشتری داشته باشند.

۲. راهکارهای نگرشی مدیریت افکار

روش‌های بینشی و نگرشی مدیریت افکار در جنگ به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، استراتژی‌ها و تکنیک‌ها اطلاق می‌شود که بر پایه آموزه‌های دینی و فرهنگی طراحی شده‌اند تا نوجوانان را در مواجهه با ترس‌های ناشی از جنگ و بحران‌های یاری دهند. این روش‌ها به تقویت درک و شناخت نوجوانان از وضعیت‌های بحرانی و چالش‌های جنگ کمک می‌کنند و به آنها ابزارهایی می‌دهند تا بتوانند ترس‌های خود را مدیریت کنند. این راهکارهای بینشی عبارت‌اند از:

۱-۲. توکل و اعتماد به خداوند

آیات متعددی در قرآن به توکل به خداوند اشاره می‌کنند؛ از جمله: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» افراد باایمان باید تنها بر خداوند توکل کنند؛^۱ «وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» همه متوکلان باید به او توکل کنند؛^۲ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» هر کسی بر خدا توکل کند، خداوند کفایتش می‌کند.^۳

همچنین احادیث فراوانی از ائمه علیهم‌السلام توکل را مقامی توحیدی و مرتبط با «توحید افعالی» معرفی می‌کنند؛ برای مثال علی بن سَؤید می‌گوید از امام کاظم علیه‌السلام تفسیر آیه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^۴ را جویا شدم. امام علیه‌السلام فرمودند: «توکل بر خدا درجاتی دارد؛ برخی از این درجات شامل این است که در تمامی امور بر خداوند توکل کنی و آنچه برای تو بیسندد، بدان راضی باشی و بدانی که او از هیچ خیر و فضلی درباره تو کوتاهی نمی‌کند. همچنین باید بدانی که حکم از آن اوست و به هرچه بخواهد، حکم می‌دهد. پس بر خداوند توکل کن و امور خود را به او واگذار کن و در امور شخصی و غیر آن به او اعتماد نما».^۵

۱. تغابن: ۱۳.

۲. ابراهیم: ۱۲.

۳. طلاق: ۳.

۴. طلاق: ۳.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۵.

توکل بر خداوند در جایگاه منبعی حمایتی، موجب به وجود آمدن احساس اقتدار و آرامش در مؤمنان می شود و آنان را از ترس و اضطراب دور می کند. این اعتماد در شرایط سخت به رزمندگان کمک می کند با اطمینان بیشتری با چالش ها روبرو شوند و به نوجوانان نیز شجاعت بیشتری برای مقابله با مشکلات می دهد.

۲-۲. امید به تحقق وعده های الهی

امیدواری به تحقق وعده های صادق خداوند یکی از مفاهیم کلیدی در روان شناسی معنوی و دینی است که می تواند تأثیر عمیقی بر روحیه و رفتار انسان ها به ویژه نوجوانان در شرایط سخت داشته باشد. این وعده ها در جایگاه منبع امید و دلگرمی، افراد را از ناامیدی دور می سازند و به آنان کمک می کنند تا با چالش ها روبرو شوند. در نتیجه این امیدواری نه تنها توان روحی و روانی فرد را افزایش می دهد، بلکه به او انگیزه می دهد در مسیر حق و عدالت پایداری کند.

رهبر انقلاب تأکید می کنند: «از آنجاکه خداوند در قرآن می فرماید "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ" ما شک نداریم که "إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ؛ وعده الهی حق است».^۲

وعده یاری پسین خداوند در آیه ۱۲۴ سوره «آل عمران»، خطاب به پیامبرش، پرسش او از مؤمنان را یادآوری می کند که آیا امداد الهی با سه هزار فرشته نازل شده برایشان کافی نیست: «إِذْ نَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدْعِمَ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ: آن گاه که به مؤمنان می گفتم آیا شما را بس نیست که پروردگارتان شما را با سه هزار فرشته فرود آمده یاری کند».^۳ بنا بر دیدگاهی که متعلق «إِذْ» در «إِذْ نَقُولُ» را فعل «نصرکم» در آیه قبل می داند،^۴ در آستانه نبرد احد، یادآوری نصرت الهی و وعده یاری سه هزار فرشته به مؤمنان، به تقویت روحیه آنان کمک می کند. این یادآوری مشابه تجربه جنگ بدر، احساس ناتوانی را به توانمندی تبدیل می کند و اطمینان به حمایت خداوند را افزایش می دهد. پس از آن در آیه ۱۲۵ خداوند وعده می دهد که اگر مؤمنان صبر و تقوا پیشه کنند، آنها را یاری خواهد کرد: «إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ

۱. محمد: ۷.

۲. سیدعلی خامنه ای، بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۴۰۲/۰۸/۱۰؛ در:

<https://khl.ink/f/54271>.

۳. آل عمران: ۱۲۴.

۴. محمود بن عمر زمخشری، الکشاف عن غوامض التنزیل، ص ۴۱۱.

فَوَرِّهُمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ^۱ اگر صبر کنید و پرهیزکاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، همان‌گاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد». این وعده به جنگ احد اشاره دارد و چنان‌که آیه بعدی بدان تصریح می‌کند، خبری شادی‌بخش برای رزمندگان بود که موجب آرامش دل آنها شد.

در مجموع وعده‌دادن و ایجاد امید در دل افراد به‌ویژه در شرایط سخت، می‌تواند ابزاری مؤثر برای تقویت روحیه و افزایش توانایی‌های روحی و روانی افراد باشد.

خودت شوراندی آخر خشم فرزندان رستم را

همان شب که شکستی حرمت این خاک و پرچم را

چه باک از مرگ تا ما تشنه دیدار دلداریم

که با این تشنه‌کامی‌ها گرفتیم آب زمزم را

ولی بعد از شهادت همچنان دستان ما باز است

ندیدی ضرب شست ناب * طهرانی‌مقدم * را؟

صدای اقتدار ماست یا تو؟ گوش کن قدری

تو که کر می‌کنی با ادعایت گوش عالم را^۲

بر این اساس ایجاد امید به تحقق وعده‌های الهی، می‌تواند ابزاری مؤثر در تقویت روحیه و کاهش ترس نوجوانان در شرایط سخت باشد. این امیدواری با تغییر مثبت در نگرش فرد، او را قادر می‌سازد با چالش‌ها روبرو شود و از اصول خود به‌ویژه در زمان‌های بحرانی دفاع کند.

۳-۲. توجه به قدرت خداوند

توجه به قدرت خداوند یکی از روش‌های اساسی در تربیت معنوی نوجوانان است که می‌تواند به آنان احساس اقتدار و اعتماد به نفس بدهد. درک این نکته که همه نیروها و قدرت‌ها از خداوند ناشی می‌شود، نوجوانان را از وابستگی به منابع مادی و محدود رها می‌سازد و به آنان کمک می‌کند تا به منبع بی‌پایان و نامحدود قدرت اتکا کنند. این احساس حمایت و اقتدار می‌تواند ترس و اضطراب را از بین ببرد و روحیه آنها را در مواجهه با چالش‌ها و سختی‌ها تقویت کند؛

۱. آل عمران: ۱۲۵.

۲. عاطفه جوشقانیان، نشست ادبی، ۱۱ مهر.

به‌ویژه در شرایط بحرانی مانند زمان نزول آیه ۱۲۲ سوره «آل عمران» که سپاه اسلام با چالش‌های بزرگی روبرو بود، توکل بر خدا به رزمندگان حس اقتدار و حمایت می‌داد. از آنجاکه همه نیروها از آن خداست،^۱ هر منبع قدرتی غیر از او محدود و وابسته به نیروی اوست. نوجوانان باید درک کنند که تنها منبع واقعی، قدرت و حمایت خداوند است و هر تکیه‌گاه مادی محدود و وابسته است. توکل بر خدا به آنها احساس اقتدار و حمایت می‌دهد و ترس را از بین می‌برد. این درک می‌تواند روحیه آنان را تقویت کند و آنها را به سمت توکل کامل بر خدا سوق دهد.^۲

بنابراین توجه‌دهی به قدرت خداوند به عنوان روش اصلی اقتدار و اعتماد به نفس می‌تواند به نوجوانان کمک کند که از وابستگی به منابع مادی رها شوند و در برابر چالش‌ها احساس قدرت کنند. این درک به‌ویژه در شرایط بحرانی، روحیه آنان را تقویت می‌کند و از ترس و اضطراب می‌کاهد؛ درنهایت نیز به ایجاد جامعه‌ای قوی و متعهد منجر می‌شود.

۳. راهکارهای رفتاری مدیریت افکار

برای مدیریت افکار نوجوانان در جنگ و شرایط بحرانی می‌توان راهکارهایی رفتاری را در پیش گرفت که در ادامه این نوشتار به این راهکارها پرداخته می‌شود.

۱-۳. تعقل و اندیشه‌ورزی

قرآن و سنت اسلامی بر اهمیت تفکر انتقادی و اندیشه‌ورزی تأکید دارند؛ به‌ویژه در شرایطی که نوجوانان در معرض ترس‌های ناشی از جنگ و بحران‌ها قرار گرفته‌اند. بنابراین می‌توان آموزه‌های دینی را برای تقویت قدرت تحلیل و تفکر در نوجوانان به کار برد. نوجوانان در فضای سایبری با انواع اطلاعات و شبهات روبرو هستند که می‌تواند ترس و اضطراب را در آنان افزایش دهد. دین اسلام انسان‌ها را به تفکر و اندیشه‌ورزی دعوت می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ ...» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند، [آنان را] به دوستی مگیرید.^۳ این آیه به نوجوانان یادآوری می‌کند که باید باورهای خود را بر اساس تفکر و تحقیق

۱. بقره: ۱۶۵.

۲. محسن عطاءالله و عباس پسندیده، «راهکارهای قرآنی مقابله با فشار روانی بر پایه آیات ناظر به جنگ احد»، ص

۲۰ - ۲۱.

۳. توبه: ۲۳.

شخصی بنا کنند و نه بر اساس پیروی کورکورانه از دیگران. این رویکرد به نوجوانان کمک می‌کند در مواجهه با اطلاعات مختلف به‌ویژه در شرایط جنگ، تحلیل منطقی داشته باشند و از آثار منفی ترس‌های ناخواسته جلوگیری کنند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ لِقُلُوبٍ خَوَاطِرَ سَوِّءٍ وَالْعُقُولُ تَرْجُزُ مِنْهَا».^۱ در روایت دیگری آن حضرت علیه السلام فرمودند: «وَالْعَقْلُ الْكَامِلُ قَاهِرُ الطَّبْعِ السَّوِّءِ»^۲ عقل کامل بر سرشت بد غالب می‌شود. که این جمله‌ها نشان می‌دهد عقل می‌تواند از افکار و احساسات منفی جلوگیری کند. والدین نیز نقش کلیدی در تشویق این رویکرد دارند تا نوجوانان به رشد فکری و آمادگی برای چالش‌های زندگی دست یابند.

۲-۳. شناخت جبهه حق و باطل

شناخت جبهه حق و تمایز آن از جبهه باطل به تقویت روحیه نوجوانان در شرایط بحرانی به‌ویژه در جنگ‌ها کمک می‌کند. جبهه حق شامل ارزش‌ها و اصولی است که بر پایه عدالت و اخلاق بنا شده است؛ درحالی‌که جبهه باطل نشان‌دهنده فریب و ظلم است. این شناخت به نوجوانان کمک می‌کند با اعتماد به نفس و شجاعت بیشتری در برابر چالش‌ها ایستادگی کنند.

خداوند درباره تشخیص جبهه حق و باطل می‌فرماید: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و حق را به باطل درنیمیزید و حقیقت را با آنکه خود می‌دانید، کتمان نکنید.^۳ شناخت جبهه حق و تمایز آن از جبهه باطل به نوجوانان کمک می‌کند در شرایط دشوار با شجاعت و اعتماد به نفس بیشتری عمل کنند. این شناخت همراه با امیدواری به یاری الهی، می‌تواند در جایگاه روشی مؤثر در کنترل ترس و تقویت روحیه آنها در میدان‌های جنگ عمل کند. بنابراین تقویت این باور می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای قوی و متعهد منجر شود که در برابر چالش‌ها و مشکلات ایستادگی کند.

۳-۳. استفاده از منابع خبری موثق

در دنیای امروز، جنگ و بحران‌های اجتماعی می‌توانند آثار عمیقی بر سلامت روانی و عاطفی

۱. علی بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم، ج ۲، ص ۵۰۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶.

۳. بقره: ۴۲.

نوجوانان بگذارند. آگاهی از منابع موثق اطلاعاتی به نوجوانان کمک می‌کند با ترس و اضطراب ناشی از این شرایط مواجه شوند و تصمیم‌های بهتری اتخاذ کنند. در این راستا می‌توان منابع موثق را به نوجوانان معرفی کرد تا اطلاعات جنگی را از هر ابزار و منبع غیر مناسبی دریافت نکنند.

ردیف	نوع خدمات	خدمات خارجی	جایگزین ایرانی
۱	برنامه ارتباطی	فیس‌بوک، توییتر، گوگل پلاس	افسران، کتاب‌خوانان حرفه‌ای، سنگری‌ها
۲	برنامه ارتباطی	اینستاگرام، فلیکر	سلام
۳	برنامه ارتباطی	یوتیوب و ویمنو	آپارات
۴	سیم‌کارت مجازی (پیام‌رسان)	وایپر، واتس‌آپ و تلگرام	سروش، بیسفون، ای‌تا، گپ و بله
۵	ایمیل	جی‌میل و یاهو‌میل	چاپار، ال‌نون، میهن‌میل و پست‌میل
۶	موتور جستجو	گوگل، بینگ و یاهو	پارسی‌جو، یوز، سلام
۷	مروزرگر	موزیلا‌فایرفاکس، کروم	ساینا و نور
۸	پیام‌رسان	گوگل‌تاک و یاهو‌مسنجر	ابطاها، ال‌فور‌آی و آی‌تنگ
۹	آپلود و ذخیره‌سازی	گوگل‌داکز و دراپ‌باکس	صندوق‌بیان، بیکوفایل و پرشین‌گیگ
۱۰	ویلاگ	بلاگر	رُزبلاگ، بلاگفا، میهن‌بلاگ و پرشین‌بلاگ

بنابراین والدین باید بکوشند فرزندان با برنامه‌های مخصوص بزرگسالان مشغول نشوند، بلکه در این فضا وارد سایت‌ها یا نرم‌افزارهایی شوند که متناسب با سنین آنهاست و از برنامه‌ها و سایت‌های ویران‌کننده و ویژه بزرگسالان دوری کنند.^۱

والدین با توجه به وظیفه قرآنی که در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا ...: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سگ‌هاست، حفظ کنید»^۲ بیان شده است، باید فرزند را در مسیر انتخاب برنامه‌های داخلی به جای خارجی یاری رسانند. والدین باید کودکان را در انتخاب برنامه‌های مناسب سن خود از فضای سایبری یاری دهند و اطلاعات در ایام جنگ را از سکوهایی داخلی دریافت کنند.

۱. محمد کهوند و مهدی سلیمانی آشتیانی، فضای مجازی: دام‌ها و دانه‌ها، ص ۳۷۵ - ۳۷۶.

۲. تحریم: ۶.

بنابراین توانمندی نوجوانان در شناخت و استفاده از منابع معتبر در جایگاه ابزاری مهم در کنترل ترس و اضطراب در شرایط جنگی عمل می‌کند. این فرایند نه تنها به بهبود وضعیت روحی آنان کمک می‌کند، بلکه به ایجاد نسلی مقاوم و آگاه منجر می‌شود که با اطمینان و قدرت بیشتری در برابر چالش‌های زندگی ایستادگی کند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. امیدی، ابراهیم، «تبیین ترس با رویکرد جنگ نرم از دیدگاه قرآن»، در چهارمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم: [بی‌نا]، ۱۳۹۷ ش.
۲. تمیمی آمدی، علی بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۳. حسین خانی، هادی، «نگاهی به تحولات دوران نوجوانی (جسمی، جنسی، شناختی و اخلاقی)»، نشریه معرفت، ش ۱۰۴، ۱۳۸۵ ش.
۴. زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف عن غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، تصحیح: مصطفی حسین احمد، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۵. عطاءاله، محسن و عباس پسندیده، «راهکارهای قرآنی مقابله با فشار روانی بر پایه آیات ناظر به جنگ احد»، دوفصلنامه قرآن‌پژوهی حکمت بالغه، دوره ۴، ش ۷، ۱۴۰۳ ش.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۷. کهوند، محمد و مهدی سلیمانی آشتیانی، فضای مجازی: دام‌ها و دانه‌ها. قم: ذکری، ۱۳۹۸ ش.
۸. گوشه‌نشین، فاطمه و ابراهیم نامداری، (۱۴۰۱). «راهکارهای مواجهه با تهدیدات جنگ نرم در قرآن بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۱۱، ش ۲۴، ۱۴۰۱ ش.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. نخجوان، احمد، جنگ، تهران: چاپخانه فردین و برادر، ۱۳۱۷ ش.
۱۱. جوشقانپان، عاطفه، «نشست ادبی»، ۱۴۰۳/۰۷/۱۱؛ در:

راهکارهای قرآنی تقویت سلامت معنوی جامعه و تأثیر آن در استقامت و پایداری

حجت الاسلام والمسلمین عیسی عیسی زاده*

اشاره

برخورداری جامعه اسلامی از سلامت معنوی، نقش تعیین کننده ای در استقامت و پایداری آن جامعه در مقابله با دشمنان دارد؛ همان گونه که بهره مندی انقلابیون و مجاهدان کشور عزیز ایران از این ویژگی معنوی سبب پیروزی ملت قهرمان ایران در مقابل رژیم طاغوت و موجب سربلندی رزمندگان اسلام در هشت دفاع مقدس شده است. بر همین اساس ضرورت دارد در ادامه مبارزه با دشمنان، این روحیه معنوی امت حفظ شود و راهکارهای تقویت این ویژگی با بهره گیری از کلام وحی به دست آید و عملی گردد. در این نوشتار تلاش شده است بعضی از آن راهکارها بررسی شوند.

ماهیت سلامت معنوی

الف) سلامت

«سلامت» در لغت به معنای بی گزند شدن، آرامش و امنیت است.^۱ این واژه در نگاه سازمان جهانی بهداشت عبارت است از: «تأمین رفاه کامل جسمی و روانی و اجتماعی نه فقط نبودن بیماری و نقص عضو».^۲ در فرهنگ های اصطلاحات نیز آمده است که سلامت عبارت است از: «آمادگی و رفاه جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی که افراد از آن لذت ببرند.

* عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، واژه سلامت.

۲. محمدجواد ابوالقاسمی، «مفهوم شناسی سلامت معنوی و گستره آن در نگرش دینی»، صص ۴۵ - ۶۸.

سلامت تنها نبود بیماری نیست، بلکه چندبُعدی بوده و در یک گستره فرهنگی وسیع تعریف می‌شود.^۱

ب) سلامت معنوی

سلامت معنوی در اصطلاح پزشکی با رویکرد مادی‌گرایانه، فرایندی است که با بهره‌گیری از آن می‌توان به درمان بیماران جسمی کمک کرد؛ ولی در اصطلاح غیرپزشکی یا پزشکی معنی‌گرا، فرایندی است که افزون بر بهره‌گیری در درمان جسمی بیماران، می‌تواند در درمان روحی و روانی بیماران نیز مفید باشد و از آن بالاتر می‌تواند شرایطی در جامعه پدید آورد که سلامت اجتماعی را نیز افزایش دهد و درنهایت به کمال و تعالی همه‌جانبه انسان و انسانیت کمک کند.^۲ در تعریف کامل‌تر می‌توان گفت: «سلامت معنوی عبارت است از حالت اطمینان، امنیت، آرامش و سکون قلبی و روحی که از اعتقاد و اعتماد به منبع و قدرتی برتر و متفاوت از عوامل مادی و پیرامونی ناشی می‌شود و باعث افزایش امید، رضایت‌مندی و نشاط درونی می‌گردد و درنهایت به سلامت و تعالی همه‌جانبه انسان و انسانیت کمک می‌کند».^۳ بنابراین افرادی از این نوع سلامت برخوردار خواهند بود که دارای جهان‌بینی توحیدی باشند و باور قلبی مستحکمی در برابر آفرینندهٔ عالم و جهان ابدی داشته باشند.

انواع سلامت معنوی

سلامت معنوی از قرن‌ها پیش در بیانات و سخنان حضرات معصومان علیهم‌السلام مطرح شده است که در ادامه چند مصداق از سلامت معنوی را بیان می‌کنیم.

الف) سلامت از فتنه‌ها

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «فَمَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ النَّجَاةَ بَعْدِي وَالسَّلَامَةَ مِنَ الْفِتَنِ الْمُرْدِيَةِ فَلْيَتَمَسَّكْ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: کسی که در پی نجات و سلامت از فتنه‌های پیش آمده است، باید به ولایت علی علیه‌السلام تمسک بجوید».^۴

۱. محسن شمس و اکرم کریمی شاهنجربی، فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم آموزش و ارتقای سلامت، ص ۷۴.

۲. سیدمحمدتقی آیت‌اللهی، «خطوط کلی بهداشت در اسلام»، ص ۱۳۲ - ۱۵۰.

۳. فریدون عزیزی و همکاران، سلامت معنوی، چیستی و چرایی و چگونگی، ص ۲۹.

۴. محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۳۱۰.

ب) سلامت از گناه

از پیامبر خدا ﷺ در تعقیب نماز ظهر آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ... وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ»: خدایا، اسباب رحمت ... و سلامت از تمام گناهان را از تو می‌طلبم.^۱ همچنین در دعای وارد شده برای شب یکشنبه آمده است: «اللَّهُمَّ... أَسْأَلُكَ... الْعَفْافَ وَ السَّلَامَةَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْحَطَايَا: خدایا ... پاکدامنی و "سلامت از گناه و خطا" را از تو می‌طلبم».^۲

ج) سلامت نفس

از امام صادق علیه السلام در تعقیب نماز آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ... السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي: بارالها، به حق محمد و آلش ... "سلامت نفس" به من عطا فرما».^۳

راهکارهای دستیابی به سلامت معنوی

قرآن کریم در جایگاه محکم‌ترین و جامع‌ترین وسیله هدایت بشر است: «يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»^۴، برای مجهز شدن انسان و جوامع به سلامت معنوی، راهکارهای فراوانی ارائه داده است که در این بخش به چند راهکار مهم اشاره می‌شود.

۱. ارتقای تقوای پیشگی

از راهکارهایی که هر جامعه‌ای با برخورداری از آن می‌تواند همانند سد محکی در مقابله با دشمنان استوار و پیروز بماند، تقوای پیشگی است؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضْرُكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا: اگر [در برابر دشمنان] استقامت و پرهیزکاری پیشه کنید، نقشه‌های [خائنانه] آنان به شما زیانی نمی‌رساند».^۵

تقوا اسم مصدر از ریشه «و-ق-ی»، در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید و فوق‌العاده^۶ و در ادبیات معارف اسلامی به معنای حفظ خویشتن از مطلق محظورات است؛ اعم

۱. حسن دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۸۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۵۹.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۸۵.

۴. اسراء: ۹.

۵. آل عمران: ۱۲۰.

۶. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۷۸.

از محرّمات و مکروهات.^۱ چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجه نام‌گذاری پرهیزکار به متقی را انجام‌ندادن برخی از مباحات به انگیزه پرهیز از حرام‌ها دانسته است.^۲ برخورداری از چنین صفتی نقش تعیین‌کننده‌ای در دستیابی به سلامت معنوی دارد؛ چراکه بر اساس آیه کریمه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۳، انسان دارنده تقوا مشمول رحمت الهی و از نورانیتی برخوردار می‌شود که در مسیر زندگی او را از افتادن در ورطه گناه و انحراف‌ها مصون می‌دارد. همچنین بر اساس آیه «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»^۴، از تشخیص حق از باطل برخوردار می‌شود و چنین فردی از سلامت معنوی به معنای واقعی برخوردار خواهد بود.

در آیه‌ای دیگر آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»^۵ آنان که تقوای الهی دارند، اگر افکار و اندیشه‌های ناروا و شیطانی در آنها به وجود آید، خدای را یاد می‌کنند و آن‌گاه از بینایان می‌شوند». بر اساس این آیه کریمه، تقوای پیشگی از راهکارهای مصونیت از هجوم‌های شیاطین برشمرده شده است که می‌تواند در دستیابی به سلامت معنوی نقش مهمی ایفا کند. کلمه «طائف» در آیه نشان می‌دهد شیطان همواره گردگرد انسان می‌چرخد و او را رها نمی‌کند؛ حتی در برابر فرد پرهیزکار چنین حالتی دارد و تا او را به گناه نکشاند، دست‌بردار نیست؛ اما افراد پرهیزکار هرگاه گرفتار وسوسه و دام شیطان گردند، به یاد خدا می‌افتند و خدا را حاضر و ناظر می‌دانند؛ از این‌رو غبار غفلت از وجودشان زدوده می‌شود و بینا می‌گردند.

۲. انس با قرآن

انس همیشگی با قرآن کریم یکی از راهکارهای دستیابی به سلامت است. در بعضی روایات به استمرار تلاوت آیات و سوره‌هایی از قرآن در هر شب و روز توصیه شده است که فراهم‌کننده انس با قرآن است؛ از جمله درباره سوره «نور» آمده است که امام صادق علیه السلام در فضیلت تلاوت این سوره فرمود: «حَصَّنُوا أَمْوَالَهُمْ وَفَرَّجَ كُفْرَهُمْ بِتِلَاوَةِ سُورَةِ النُّورِ وَحَصَّنُوا بِهَا نِسَاتَهُمْ فَإِنَّ مَنْ أَدَمَّنْ

۱. محمد بن حسین راغب اصفهانی، المفردات القرآن، ص ۳۸۱.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۶۷.

۳. حدید: ۲۸.

۴. انفال: ۲۹.

۵. اعراف: ۲۰۱.

قَرَأَتْهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ أَوْ فِي لَيْلَةٍ لَمْ يَزِنِ أَحَدٌ مِنْ بَيْتِهِ أَبَدًا حَتَّى يَمُوتَ: ^۱ اموال و دامان عفت خود را با تلاوت سوره "نور" محفوظ دارید و همچنین به وسیله آن همسران خود را [از سقوط در دامان فساد] حفظ کنید. هر کسی هر شب یا هر روز این سوره را بخواند، هیچ‌یک از خانواده او گرفتار بی‌عفتی نخواهد شد».

از راه‌های انس با قرآن کریم، تلاوت مستمر قرآن در طول سال است؛ بر همین اساس امام رضا علیه السلام فرمودند که هر روز دست‌کم پنجاه آیه قرآن بخوانید: «يُتَبَغَى لِلرَّجُلِ إِذَا أَصْبَحَ أَنْ يَقْرَأَ بَعْدَ التَّعْقِيبِ خَمْسِينَ آيَةً» ^۲ سزاوار است برای انسان بعد از تعقیب نماز صبح، پنجاه آیه از قرآن را تلاوت کند». همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يُتَبَغَى لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يُنْظَرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً» ^۳ قرآن عهد خداست به سوی خلق؛ از همین رو سزاوار است هر مسلمانی هر روز در این عهد نظر کند و پنجاه آیه را قرائت نماید». البته قرائت پنجاه آیه یکی از معیارهاست؛ از این رو اگر نتوانستیم، روزی ده آیه قرآن بخوانیم. البته این تلاوت، غیر از آن قرآنی است که در نماز واجب و مستحب می‌خوانیم. بنابراین باید قرآن را باز کنیم و با حضور قلب، ده آیه، بیست آیه، پنجاه آیه، صد آیه بخوانیم. قرآن را برای تدبر کردن و فهمیدن و استفاده کردن بخوانیم.

اُنس با قرآن رزمندگان هشت سال دفاع مقدس، نقش بسیار مهمی در پیروزی آنان در مقابل دشمنان داشت. منصور عیوضی سرهنگ بازنشسته سپاه و معاون راویان ستاد مرکزی راهیان نور در پاسخ به این پرسش که رزمندگان چگونه یک محیط جنگی که هر لحظه امکان شهادت یا جانبازی برایشان وجود داشت را تبدیل به محیط معنوی تأثیرگذار کردند تا جایی که بخش مهمی از زیرساخت فرهنگی و اخلاقی امروز ما متأثر از آموزه‌های دوران جنگ است، گفت: «اهداف و انگیزه در هر کاری حتی میدان جنگ بسیار مهم است. اینکه فرد با چه اهداف و اندیشه‌ای بخواهد وارد میدان جنگ شود. بیشتر این بچه‌هایی که در جبهه جنگ حضور پیدا کردند، قبل از حضورشان، در پایگاه‌های بسیج و مساجد بودند و با ائمه اطهار علیهم السلام انس محکمی داشتند. لذا

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۲۲.

۲. محمد بن حسن طوسی، التبیان، ج ۲، ص ۱۳۸.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۹۸.

با نگاهی به سیره شهدا درمی یابیم که این عزیزان یا با قرآن کریم انس مستقیم داشته و یا سیره و سبک زندگی آنها بر اساس آموزه‌های الهی بوده است.^۱

۳. اقامه نماز

از نشانه‌های برخورداری از سلامت معنوی برای یک انسان مسلمان و جامعه اسلامی، پرهیز از هر گناه و معصیت و دوری از فساد و فحشاست و بر اساس آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۲، اقامه نماز یکی راهکارها و عوامل پرهیز از منکر، فساد و فحشاست؛ زیرا انسان با اقامه نماز، یاد خدا را زنده می‌کند: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۳ و این ذکر پرودگار برای اهل ایمان مفید است: «فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^۴. نماز افزون بر قدرت پیشگیری از مفسد، از ویژگی تطهیر و پاک‌کنندگی نیز برخوردار است؛ آنجا که خداوند به این مسئله در قرآن اشاره فرموده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى الْآيِلِ وَاللَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ الْآيِلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»^۵. امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز در این باره فرمود: «نماز گناهان را مثل برگ درختان فرومی‌ریزد و گردن انسان را از ریسمان گناه آزاد می‌کند». آن‌گاه حضرت در ادامه تشبیهی جالب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز را به چشمه آب گرم تشبیه فرموده که بر در خانه مردی باشد و شبانه‌روزی پنج مرتبه در آن شستشو کند، پس معلوم است دیگر به چنین کسی کیفی باقی نخواهد ماند»^۶.

بنابراین سلامت معنوی هر فرد و جامعه، وابسته به نماز است و صراط مستقیم و حیات طیبه نیز تنها با اقامه نماز تحقق می‌یابد. اما آنچه در این مسئله باید بدان توجه شود، رعایت شرایط تأثیر نماز همچون حضور قلب و تحقق فواید آن در دستیابی به سلامت معنوی است. مرحوم شیخ محمد بهاری در یکی از نوشته‌هایشان می‌گویند: «دعا و ذکر و شاید نماز، وقتی بی‌توجه تکرار می‌شود، قساوت می‌آورد. نماز می‌خوانیم، نماز مایه قساوت، چرا؟ چون در حال نماز

۱. مصاحبه با خبرگزاری شبستان، ۱۴۰۲/۷/۶.

۲. عنکبوت: ۴۵.

۳. طه: ۱۴.

۴. ذاریات: ۵۵.

۵. هود: ۱۱۴.

۶. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۱۹.

حضور قلب نداریم، توجه نداریم. پس این نماز یا با توجه است که مایه رقت و قرب و لطافت و صفاست؛ یا نماز بی توجه است که آن وقت مایه قساوت قلب است».^۱

۴. عمل کردن به قرآن

از نشانه‌های برخوردای هر انسان و جامعه‌ای از سلامت معنوی، مبرابردن از هرگونه انحراف و گمراهی است. این ویژگی بر اساس فرموده رسول خدا ﷺ «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرْزَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ»^۲، نصیب کسانی می‌شود که با تمسک به قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) به آموزه‌های نورانی قرآن عمل کنند.

در قرآن نیز به این نکته توجه و تأکید شده است که پیروی عملی قرآن، سبب خروج از ظلمات و مشکلات می‌شود: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۳ خداوند به وسیله قرآن کسانی را که از خوشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت هدایت می‌کند. و به فرمان خود از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید».

عبدالرحمان سلمی می‌گوید: «حَدَّثَنَا مَنْ كَانَ يَقْرَأُنَا مِنْ أَصْحَابِهِ أَنَّهُمْ كَانُوا يَأْخُذُونَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَشْرَ آيَاتٍ فَلَا يَأْخُذُونَ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ حَتَّى يَعْلَمُوا مَا فِي هَذِهِ مِنَ الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ: کسانی که خدمت رسول الله ﷺ رسیده و از ایشان قرائت فراگرفته بودند، برای ما بیان کردند که اصحاب ده آیه از آن حضرت فرامی‌گرفتند و تا آن ده آیه را به مرحله علم و عمل نمی‌رساندند، سراغ ده آیه بعد نمی‌رفتند».^۴

نقش سلامت معنوی جامعه در استقامت و پایداری

سلامت معنوی جامعه نقش بسیار مهمی در استقامت و پایداری در برابر دشمن ایفا می‌کند. این نقش از طریق تقویت روحیه و انگیزه افراد، ایجاد حس هدفمندی و معنا در زندگی و همچنین افزایش تاب‌آوری در برابر سختی‌ها و مشکلات حاصل می‌شود.

۱. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۱۵/۸/۱۳۷۸؛ در: <https://khl.ink/f/۴۲۰۵>.

۲. حسن دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳. مانند: ۱۶.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۰۶.

الف) تقویت روحیه و انگیزه

سلامت معنویت می‌تواند با ایجاد باور به یک هدف والاتر، به افراد انگیزه و اراده قوی‌تری برای مقابله با مشکلات و سختی‌ها ببخشد. این باور می‌تواند ناشی از اعتقاد به خداوند، عشق به وطن یا ارزش‌های اخلاقی و انسانی باشد.

ب) ایجاد حس هدفمندی و معنا

سلامت معنوی به افراد کمک می‌کند در زندگی خود، معنا و هدفی فراتر از مسائل مادی و روزمره پیدا کنند. این حس هدفمندی به‌ویژه در شرایط سخت و بحرانی، می‌تواند در جایگاه منبع قوی برای استقامت و پایداری عمل کند.

ج) افزایش تاب‌آوری

سلامت معنوی می‌تواند با ایجاد آرامش درونی، افزایش اعتماد به نفس و تقویت توانایی مقابله با استرس، به افراد کمک کند در برابر سختی‌ها و فشارهای روحی و روانی مقاوم‌تر باشند.

د) ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی

سلامت معنوی می‌تواند با ایجاد ارزش‌های مشترک و تقویت احساس تعلق به یک گروه یا جامعه، به انسجام و همبستگی اجتماعی کمک کند. این انسجام و همبستگی در شرایط مقابله با دشمن، می‌تواند در جایگاه عاملی مهم در افزایش مقاومت و پایداری عمل کند.

و) تقویت روحیه فداکاری و ایثار

سلامت معنوی می‌تواند با ایجاد حس عشق و علاقه به دیگران و تمایل به فداکاری برای آنها، افراد را به سمت ایثار و از خودگذشتگی در راه هدف مشترک سوق دهد. این روحیه فداکاری و ایثار در شرایط جنگ و مقابله با دشمن، می‌تواند در جایگاه یک عامل مهم در پیروزی و موفقیت عمل کند.

کتاب‌نامه

قرآن

۱. آیت‌اللهی، سیدمحمدتقی، «خطوط کلی بهداشت در اسلام»، مجله مشکوة، بهار ۱۳۷۰، ص ۱۳۲ - ۱۵۰.
۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۳. ابوالقاسمی، محمدجواد، «مفهوم‌شناسی سلامت معنوی و گستره آن در نگرش دینی»، فصل‌نامه اخلاق پزشکی، س ۶، ش ۲۰، تابستان ۱۳۹۱، ص ۴۵ - ۶۸.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: دهقان، ۱۳۸۰ ش.
۵. دیلمی، حسن، إرشاد القلوب إلى الصواب، تهران: اسوه، ۱۳۷۵ ش.
۶. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، چ ۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
۸. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، قم: مشهور، ۱۳۷۹ ش.
۹. شمس، محسن و اکرم کریمی شاهنجری، فرهنگ اصطلاحات و مفاهیم آموزش و ارتقای سلامت، تهران: تندیس، ۱۳۸۶ ش.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. طوسی محمد بن حسن، تهذیب، تهران: دارالکتب السلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۱. عزیزی، فریدون و همکاران، سلامت معنوی، چیستی و چرایی و چگونگی، تهران: حقوقی، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

نقش رهبری در مواجهه با دشمنان

حجت الاسلام رضا ارجمندی*

اشاره

نقش رهبری در نظام اسلامی، نقشی هدایتگر، الهام‌بخش و تعیین‌کننده در عبور از پیچ‌های تاریخی و مقابله با دشمنی‌های آشکار و پنهان است. امروزه که جنگ‌ها از میدان سخت به میدان ذهن و روایت منتقل شده است، رهبری نه تنها فرماندهی سیاسی بلکه راهبری فکری و فرهنگی جامعه را بر عهده دارد. بیانات متعدد رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای دام‌الله، مسیر مقابله با دشمنان را برای جامعه اسلامی ترسیم می‌کند. رهبر معظم انقلاب در مواردی نظیر بصیرت و جهاد تبیین، وحدت و انسجام ملی، امیدآفرینی و تقویت روحیه مقاومت، هدایت فرهنگی و رسانه‌ای، اعتمادسازی و شفافیت، مدیریت بحران و تصمیم‌گیری قاطع و درنهایت حفظ هویت ملی - دینی، می‌تواند در مواجهه با دشمن، جامعه را هدایت کند که در این نوشتار به تشریح این موارد پرداخته می‌شود.

۱. بصیرت و جهاد تبیین؛ راه خنثی‌سازی فتنه‌ها

مقام معظم رهبری بارها تأکید کرده‌اند دشمن در میدان شناخت و ادراک جامعه وارد شده است و تلاش اصلی او تغییر باورها و تحریف حقایق است. این تحریف، ریشه در نادیده‌گرفتن بصیرت عمومی جامعه دارد. ایشان در دیدار نخبگان به‌صراحت هشدار دادند که ماهیت جنگ‌های معاصر تغییر کرده است: «شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند؛ شما اگر انقلاب را روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند».^۱ این مسئله بدان معناست که پیروزی در این میدان نه صرفاً با اتکا به

* دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه قم.

۱. سیدعلی خامنه‌ای، «بیانات در دیدار پرستاران و خانواده‌های شهدای سلامت»، ۱۴۰۰/۰۹/۲۱.

قدرت سخت، بلکه با تسلط بر ابزارهای شناختی و ارائه روایت صحیح از وقایع ممکن است. در برابر این تهاجم شناختی، رهبر معظم انقلاب «جهاد تبیین» را علاج اصلی معرفی کردند. جهاد تبیین فقط اطلاع‌رسانی نیست، بلکه عملیاتی فکری و معرفتی است که هدفش روشنگری عمیق، آگاه‌سازی عمومی و خنثی کردن مؤثر شبهات تولیدشده از سوی دشمن است. ایشان تبیین را تکلیفی شرعی و انقلابی می‌دانند؛ از این رو فرمودند: «بدانید دشمن امروز بر پایه دروغ و دروغ‌پردازی دارد کار می‌کند. خب وقتی که دانستید، طبعاً وظیفه می‌آید روی دوشتان تبیین کنید. "جهاد تبیین" که گفتیم، یکی از جاهایش اینجاست».^۱

این امر نیازمند درک عمیق پیچیدگی‌های توطئه‌های دشمن و توانایی برقراری ارتباط مؤثر با سطوح مختلف فکری جامعه است تا سپری از بصیرت در برابر عملیات فکری دشمن ساخته شود. بصیرت به معنای فهم درست راه، هدف و شیوه حرکت در مسیر حق است؛ تبیین نیز ابزار جاری‌سازی این بصیرت در لایه‌های اجتماعی است.

۲. وحدت و انسجام ملی؛ پشتوانه پیروزی

یکی از کهن‌ترین و پایدارترین استراتژی‌های دشمنان، ایجاد تفرقه و شکاف در بدنه ملت ایران بوده است. رهبر معظم انقلاب وحدت داخلی را رکن اساسی تاب‌آوری نظام در برابر هرگونه فشار خارجی می‌دانند. ایشان در پیام نوروزی سال ۱۳۸۶، با تعیین شعار محوری «اتحاد ملی و انسجام اسلامی»، این دو مفهوم را دو روی یک سکه در مقابله با دشمن مطرح کردند. این شعار نه توصیه‌ای تاکتیکی، بلکه اصلی راهبردی است: «در درون ملت ما باید وحدت کلمه حاکم باشد؛ و در سطح امت اسلامی نیز باید هماهنگی و هم‌صدایی برقرار گردد».^۲ ایشان در ادامه این نکته را افزودند که وحدت کلمه، راه خنثی‌سازی توطئه‌هایی است که با هدف قراردادن نقاط ضعف قومی، مذهبی و جناحی به کار گرفته می‌شوند.

در بیانات ایشان در حرم مطهر رضوی در سال ۱۳۸۶، تأکید شد که هرگونه شکاف داخلی، دروازه‌ای برای نفوذ دشمن است؛ بنابراین تقویت همدلی داخلی بر اساس مشترکات هویتی و اعتقادی، پایه استحکام جبهه داخلی محسوب می‌شود.

رهبر معظم انقلاب همواره بر پرهیز از دامن‌زدن به تعارضات غیرضروری میان جناح‌ها، اقوام

۱. سیدعلی خامنه‌ای، «بیانات در دیدار بسیجیان»، ۱۴۰۱/۰۹/۰۵.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، «پیام نوروزی»، سال ۱۳۸۶.

و مذاهب تأکید داشته‌اند. در مواجهه با دشمن، ضرورت دارد که همه ملت ایران حول محور ارزش‌های مشترک انقلاب اسلامی، یکپارچه بایستند. این یکپارچگی، عاملی است که توان بازدارندگی نرم و سخت نظام را به شدت افزایش می‌دهد.

تجربه «جنگ تحمیلی دوازده‌روزه» نشان داد که با وجود حجم وسیع توطئه‌ها و شدت نبرد، عنصر تعیین‌کننده نه تجهیزات مادی، بلکه اتحاد مقدس ملت، دولت و نیروهای مسلح بود. چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه‌السلام فرمودند: «سپر پولادین اتحاد مردم و مسئولان و نیروهای مسلح نباید خدشه‌دار شود؛ باید از خدمت‌گزاران کشور به‌ویژه رئیس‌جمهور پرکار و پرتلاش حمایت شود». ^۱ این سخن راهبردی، نقشه راه امروز کشور است؛ بنابراین اتحاد فقط توصیه‌ای اخلاقی نیست، بلکه ضرورتی امنیتی، سیاسی و تمدنی است.

جنگ دوازده‌روزه که رژیم صهیونیستی با حمایت مستقیم آمریکا علیه ایران آغاز کرد، آزمونی تاریخی بود برای سنجش انسجام ملی در میدان واقعیت. دشمن با محاسبه‌ای نادرست، گمان می‌کرد که با ترور فرماندهان و حملات موشکی، جامعه ایران با آشوب داخلی مواجه خواهد شد و میان دولت، مردم و نیروهای مسلح فاصله می‌افتد؛ اما همان‌گونه که رهبر انقلاب فرمودند، دشمن در همان روزهای آغاز جنگ فهمید که «اتحاد ملت ایران، دشمن را ناامید کرد». ^۲

اتحاد ملی زمانی ریشه‌دار می‌شود که دولت و مردم در یک جبهه و با اعتماد متقابل حرکت کنند. تعبیر جدید «اتحاد مقدس» که از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح شد، درحقیقت بیان‌کننده پیوندی الهی و راهبردی میان دین، ملت و حاکمیت است. این اتحاد از آن‌رو «مقدس» است که در خدمت آرمان‌های الهی، استقلال کشور و عزت ملی قرار دارد؛ چنان‌که معظم‌له تصریح کردند: «دشمنان از اتحاد مقتدرانه ملت و نیروهای مسلح فهمیده‌اند که ایران را نمی‌توان با جنگ به زانو درآورد؛ لذا تلاش می‌کنند با ایجاد اختلاف، این سپر پولادین را بشکنند». ^۳

اتحاد مقدس هم ابزار پیروزی در جنگ نظامی است و هم راه نجات در جنگ ترکیبی؛ زیرا دشمن امروزه بیش از آنکه در میدان نظامی بجنگد، در میدان رسانه و شناخت می‌جنگد. هدف او، مخدوش کردن انسجام ذهنی جامعه و ایجاد بی‌اعتمادی میان مردم و مسئولان است. از این‌رو

۱. سیدعلی خامنه‌ای، «بیانات در مراسم عزاداری شهادت امام رضا علیه‌السلام»، ۱۴۰۴/۰۶/۰۲.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، «سخنرانی تلویزیونی رهبر انقلاب خطاب به ملت ایران»، ۱۴۰۴/۰۷/۰۱.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، «بیانات در مراسم عزاداری شهادت امام رضا علیه‌السلام»، ۱۴۰۴/۰۶/۰۲.

رهبر معظم انقلاب هشدار دادند: «طراحی دشمن پس از شکست در جنگ دوازده روزه، ایجاد چندصدایی و شکستن اتحاد است».^۱ در این مرحله، هرگونه دامن زدن به اختلاف های سیاسی یا جناحی، فقط به سود دشمن است. امروزه در شرایط پیچیده جهانی و تحولات چندقطبی، «اتحاد مقدس» همان سپر پولادینی است که از کیان ایران اسلامی پاسداری می کند.

۳. امیدآفرینی و تقویت روحیه مقاومت

یکی از اهداف جنگ نرم، ایجاد ناامیدی در مردم است. رهبر معظم انقلاب با تبیین نقاط قوت، دستاوردها و آینده روشن، روحیه مقاوت و پایداری را در جامعه تقویت می کند. این روحیه امیدبخش، سد محکمی در برابر عملیات روانی دشمن است. دشمنان می دانند که اگر اراده ملت بر پیروزی و آینده سازی متمرکز شود، هیچ فشاری کارساز نخواهد بود؛ بنابراین استراتژی اصلی آنها در حوزه روانی، «مأیوس سازی» ملت است.

مقام معظم رهبری در بیانیه راهبردی «گام دوم انقلاب»، امید را کلید اساسی همه قفل ها می دانند و در جایگاه یکی از مؤلفه های حیاتی بدان تأکید می کنند و می فرمایند: «اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه هایی می کنم؛ اما پیش از همه چیز نخستین توصیه من، امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل ها، هیچ گامی نمی توان برداشت. آنچه می گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته ام، اما خود و همه را از نومییدی بی جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته ام. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه ای دشمن و فعال ترین برنامه های آن، مأیوس سازی مردم و حتی مسئولان و نیز مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت ها، پنهان کردن جلوه های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده اند که با استفاده از آزادی ها در خدمت دشمن حرکت می کنند. شما جوانان باید پیشگام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومییدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه ای ترین جهاد شماست. نشانه های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم

۱. سیدعلی خامنه ای، «بیانات در مراسم عزاداری شهادت امام رضا (علیه السلام)»، ۱۴۰۴/۰۶/۰۲.

شماست. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌هاست و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، به‌مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری و ابتکارهای ایرانی، بر بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداده، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید»^۱.

این نگاه مبتنی بر درک ظرفیت‌های داخلی و توکل الهی است. رهبری به‌صراحت سیاست تبلیغی دشمن را در «مأیوس‌سازی مردم» تعریف می‌کنند و وظیفه اصلی جوانان انقلابی را «تزریق نهال امید» در جامعه می‌دانند. این امید مبتنی بر ارزیابی واقع‌بینانه از دستاوردهای گذشته و اعتماد به توانایی عبور از مشکلات کنونی است. مقام معظم رهبری ترسیم‌کننده آینده‌ای روشن هستند که در آن ملت بر پایه ایمان و عقلانیت ایستاده است. مقاومت از منظر معظم‌له، تسلیم‌نشدن در برابر تهدیدهاست؛ مقاومتی که اگر با امید به یاری خدا و ایمان به درستی مسیر همراه باشد، هرگز به عقب‌نشینی یا سازش خفت‌بار منجر نخواهد شد. رهبری با این استراتژی، سدی مستحکم در برابر تمام حملات یأس‌آور دشمن ایجاد می‌کنند.

۴. هدایت فرهنگی و رسانه‌ای؛ مصون‌سازی جامعه

جنگ نرم اساساً جنگی فرهنگی و رسانه‌ای است. رهبر معظم انقلاب با تبیین خطوط کلی فرهنگی و رسانه‌ای، بر ضرورت تولید محتوای ارزشی، مقابله با هجوم فرهنگی و ارتقای سواد رسانه‌ای تأکید می‌کنند. این هدایت به جامعه کمک می‌کند تا در فضای رسانه‌ای پیچیده، حقیقت را از باطل تشخیص دهد. مقام معظم رهبری علیه‌السلام در بیانات خود بارها بر اهمیت هدایت فرهنگی و رسانه‌ای تأکید کرده‌اند. ایشان معتقدند هدایت فرهنگی باید با تکیه بر مبانی اسلامی و انقلابی انجام شود و رسانه‌ها نقش مهمی در این موضوع دارند. به گفته ایشان، فرهنگ‌سازی نیازمند مدیریت و هدایت صحیح و حساب‌شده است که بر اساس گرایش‌های انقلابی شکل می‌گیرد.

امروزه مهم‌ترین قلمرو تهاجم دشمن، عرصه فرهنگ، اخلاق و سبک زندگی است که از طریق ابزارهای جدید رسانه‌ای انجام می‌گیرد؛ بر همین اساس رهبر معظم انقلاب مدیریت این میدان را حیاتی می‌دانند و همواره بر اهمیت زیربنایی فرهنگ تأکید کرده‌اند. معظم‌له در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «فرهنگ، هویت یک ملت است. ارزش‌های

۱. سیدعلی خامنه‌ای، «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران»، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگ‌اند؛ به این باید توجه کرد. نمی‌توانیم فرهنگ را از عرصه‌های دیگر منفک کنیم.^۱ این مسئله بدان معناست که ناکارآمدی در عرصه فرهنگ، زمینه‌ساز شکست در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی خواهد بود. ایشان مدیریت فرهنگی را مستلزم هوشمندی، آینده‌نگری و تقویت سواد رسانه‌ای در آحاد جامعه دانسته‌اند.

مقام معظم رهبری رسانه‌ها را در جایگاه ابزارهای کلیدی در دست دشمن و با تعبیری دقیق، «افسران جنگ نرم» می‌نامند. وظیفه این افسران باید انتقال صادقانه همراه با آرامش و امید، پیام انقلاب و ارزش‌های متعالی باشد. در این چارچوب، مقام معظم رهبری بر ضرورت حضور فعال و هدفمند در فضای مجازی تأکید کرده‌اند. انفعال در این میدان به معنای واگذاری بستر روایتگری به دشمن است. ایشان به صراحت خواستار خلاقیت و هوشمندی شده‌اند. این هدایت شامل تولید محتوای بومی، مقابله با آسیب‌های اخلاقی و ترویج الگوهای صحیح زندگی اسلامی - ایرانی است.

۵. اعتمادسازی و شفافیت

یکی از مؤلفه‌های بنیادین اقتدار رهبری در مواجهه با دشمن، پشتوانه مردمی و اعتماد عمومی است. رهبری با الگوی حکمرانی خود، این سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کنند. رهبر انقلاب در مواجهه با فشارهای داخلی و خارجی برای دستیابی به اطلاعات محرمانه نظام، شفافیت را نه یک شعار دموکراتیک غربی، بلکه یک اصل اسلامی معرفی کرده‌اند. معظم‌له در ابتدای جلسه درس خارج فقه فرمودند: «این شفافیتی که حالا سر زبانها است که «آقا شفاف، شفاف»، در کلام امیرالمؤمنین است. بعضی‌ها عادت کرده‌اند هر چیز خوبی که در جامعه اسلامی است را نسبت بدهند به غربی‌ها. واقعاً انسان تعجب می‌کند از کوتاه‌فکری بعضی‌ها! توجه به مردم، آرای مردم، اهتمام به مردم، می‌گوید "ما از غربی‌ها یاد گرفتیم اینها را"؛ ... وقتی مراجعه به منابع اسلامی نمی‌کنید، وقتی کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام و رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله را نمی‌خوانید؛ بلد نیستید، خب بله، از غربی‌ها باید یاد بگیرید. می‌گویند بعضی‌ها، می‌شنوید که "بله، این

۱. سیدعلی خامنه‌ای، «بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی»، ۱۳۹۳/۰۹/۱۹.

شفافیت را هم آنها به ما یاد داده‌اند؛ نخیر، شفافیت را امیرالمؤمنین یاد داده؛ می‌گوید حق شما بر من - یعنی حقی که شما پیش من دارید - [این است که] هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، هیچ حرفی را از شما پنهان نکنم، مگر در جنگ و مسائل جنگ و مسائلی که با دشمن طرف هستیم، ... بله اینجا جای افشاگری نیست، اما در غیر اینها در مسائل عمومی مردم ایران، **إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي إِلَّا اخْتِجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا**^۲.

این بیان، یک الگوی حکمرانی بر پایه صداقت، پاسخ‌گویی و احترام به جایگاه مردم را ارائه می‌دهد. در جایی که دشمن تلاش می‌کند با دروغ و شایعه، اعتماد مردم به حاکمیت را خدشه‌دار کند، شفافیت صادقانه رهبری تبدیل به سد دفاعی می‌شود. این اعتماد موجب می‌شود جامعه در برابر القانات و تردیدافکنی‌های دشمنان، موضعی منسجم اتخاذ کند.

۶. مدیریت بحران و تصمیم قاطع

دشمنان همواره در مقاطع حساس تاریخی (بحران‌های سیاسی، اقتصادی یا امنیتی) می‌کوشند با ایجاد فشار حداکثری، اراده رهبری و نظام را برای عقب‌نشینی تضعیف کنند. نقش رهبری در این برهه‌ها، تعیین‌کننده است. در شرایط جنگ نرم ممکن است دشمن بحران‌های مختلفی را ایجاد کند که رهبر معظم انقلاب با تصمیم‌گیری‌های به موقع و قاطعانه، این بحران‌ها را مدیریت می‌کنند و از تبدیل شدن آنها به چالش‌های بزرگ‌تر جلوگیری می‌کنند.

نمونه‌هایی از بحران‌های داخلی و خارجی و تدبیرهای ایشان در مهار آنها وجود دارد که به‌خوبی گویای نقش و جایگاه رهبری نظام و بیان‌کننده توانمندی و کارایی ایشان در برطرف کردن بحران‌هاست؛ مواردی نظیر دادگاه میکونوس، قتل‌های زنجیره‌ای، حادثه کوی دانشگاه، فتنه انتخاباتی و بنزین. تدابیر و موضع‌گیری‌های قاطع مقام معظم رهبری در این حوادث، نشان‌دهنده قدرت، توانمندی و کارایی مثال‌زدنی ایشان در مواجهه با بحران‌ها و گذر از آنها به جهانیان است و اهمیت جایگاه رهبری نظام را بر همگان آشکار کرد. این موارد، نمونه‌هایی از توانمندی و هوشمندی رهبری نظام در برخورد با بحران‌ها و مدیریت آنها بود؛ بحران‌هایی که هر یک از آنها کافی بود تا هر نظام سیاسی را با چالش و مشکلات جدی روبرو

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۰.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، «بیانات در ابتدای جلسه درس خارج فقه»، ۱۳۹۷/۰۷/۳۰. <https://khl.ink/f/40746>

کند و موجودیت آن را به خطر بیندازد. تدابیر حکیمانه و بینش عمیق مقام معظم رهبری در جایگاه سکان‌دار انقلاب اسلامی در دوران پربرکت رهبری خود، موجب شد کشتی نظام اسلامی از میان این امواج سهمگین و طوفان‌های شدید به سلامت به سمت ساحل سعادت و پیشرفت و عدالت حرکت کند و دشمنان را در رسیدن به اهداف شوم خود ناکام گذارد.

در مجموع تجربه تاریخی نشان داده است رهبری در بزنگاه‌های سخت با تکیه بر بینش عمیق و تدبیر الهی، قاطعیت لازم را به کار می‌برند. این قاطعیت نه ناشی از لجاجت، بلکه برخاسته از محاسبات دقیق است. رهبری با درک خطوط قرمز و اهداف بلندمدت نظام، مسیر عبور از طوفان‌های بحران را مشخص می‌کنند و مانع از گرفتارشدن نظام در دام تصمیم‌های لحظه‌ای و احساسی می‌شوند.

۷. حفظ هویت ملی - دینی؛ دژ فرهنگی در برابر نفوذ

یکی از اصلی‌ترین اهداف دشمنان در جنگ نرم، تضعیف هویت ملی و دینی ملت ایران و جایگزینی آن با الگوهای وارداتی است. مقام معظم رهبری با تأکید بر مبانی فکری، ارزش‌های اصیل و نمادهای ملی - دینی به حفظ و تقویت هویت جامعه کمک می‌کند. معظم‌له پاسداری از این هویت را وظیفه‌ای مستمر می‌دانند و بر این باورند که هویت ملی - دینی، قوی‌ترین سپر فرهنگی در برابر نفوذ است.

مقام معظم رهبری در دیدار معلمان با تأکید بر ضرورت نهادینه‌سازی این افتخار در نسل‌های جدید، فرمودند: «یکی از چیزهایی که از معلمین عزیز و محترم انتظار می‌رود این است که احساس هویت ایرانی و اسلامی و شخصیت ملی را در کودکان این کشور باید زنده کنند. مسئله زبان مهم است. مسئله ملیت مهم است. مسئله پرچم مهم است. دل‌بسته باید باشد. اینها چیزهای لازمی است، اینها اساسی است. بایستی این شناخت را، این هویت‌شناسی ملی و شخصی را در دانش‌آموز زنده کنید. دانش‌آموز باید به ایرانی‌بودن خودش افتخار کند؛ مفاخر ملی، سابقه فرهنگی، عزت تاریخی، وقتی به نوجوان نشان داده بشود، در او احساس عزت به وجود می‌آید».^۱

این تأکید، پاسخی مستقیم به تلاش دشمن برای القای ضعف و حقارت تاریخی به ملت

۱. سیدعلی خامنه‌ای، «بیانات در دیدار با معلمان»، ۱۴۰۲/۰۲/۱۲.

ایران است. تقویت خودباوری تمدنی و یادآوری مفاخر بزرگ دینی و تاریخی، ملت را در برابر جذابیت‌های کاذب تمدن مادی غرب واکسینه می‌کند. رهبر معظم انقلاب معتقدند اگر ملت خود را باور کند، هرگونه تلاش خارجی برای تحمیل الگوها محکوم به شکست است. این خودباوری نشان‌دهنده موضع دفاعی نیست، بلکه رویکردی فعال برای پیشتازی فرهنگی و تمدنی است.

نتیجه

رهبری در جمهوری اسلامی ایران نه فقط جایگاه سیاسی، بلکه محور معنوی بیداری و هدایت امت اسلامی است. معظم‌له همچون ناخدایی باتجربه، کشتی جامعه را در طوفان‌های رسانه‌ای و روانی دشمن با تکیه بر ایمان، امید و بصیرت به سلامت هدایت می‌کنند. این نقش هدایتگر، ترکیبی از فقاقت، درایت و اتکای الهی است که در میدان سخت و نرم، راه نجات ملت ایران را روشن کرده است.

بر پایه بیانات معظم‌له، پیروزی در جنگ نرم و شناختی نیازمند سه مؤلفه بنیادین است که رهبری در رأس نظام، عامل تجمیع و اجرای آنها هستند:

۱. بصیرت در تحلیل: برای درک عمق نقشه‌های دشمن و خنثی‌سازی روایت‌های دروغین؛
 ۲. امید در باور: برای مقاومت در برابر سیاست‌های یأس‌آور دشمن و پابندی به آینده روشن؛
 ۳. وحدت در عمل: برای ایجاد انسجام ملی و جلوگیری از سوءاستفاده دشمن از شکاف‌های داخلی.
- هر جامعه‌ای که این سه مؤلفه را داشته باشد، شکست‌ناپذیر است و در هر میدانی با پرچم توکل و تبیین، بر دشمن غلبه خواهد کرد. این نقش هدایتی، سنگ بنای استمرار انقلاب و دستیابی به آرمان‌های بزرگ آن است.

جایگاه هویت اسلامی در همگرایی امت اسلام؛ با هدف نقش آفرینی در عرصه بین الملل

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدحامد علیزاده موسوی*

اشاره

جهان اسلام امروز با پارادوکس عجیبی روبروست؛ از یکسو دارای بزرگترین ذخایر انرژی، مهم‌ترین مسیرهای ترانزیتی و بیش از یک میلیارد و هشتصد میلیون جمعیت است؛ از سوی دیگر در بسیاری از عرصه‌های بین‌المللی نقشی حاشیه‌ای دارد. ریشه این وضعیت را باید در بحران هویت اسلامی جستجو کرد؛ هویتی که روزگاری تمدن درخشان اسلامی را پایه‌گذاری کرد و امروز تحت تأثیر ملی‌گرایی افراطی و فرهنگ وارداتی غرب به حاشیه رانده شده است. این نوشتار بر آن است تا با بازخوانی شاخصه‌های اصیل هویت اسلامی از متن قرآن کریم، راه برون‌رفتی از این وضعیت ارائه دهد. در این مسیر، تجربه چندین ساله جمهوری اسلامی ایران به عنوان آزمایشگاهی زنده از تلفیق هویت اسلامی با دیپلماسی فعال بین‌المللی مورد توجه ویژه قرار خواهد گرفت. پرسش اصلی این است که چگونه بازتعریف هویت اسلامی بر اساس معیارهای قرآنی می‌تواند به هم‌گرایی بیشتر امت اسلام و در نتیجه افزایش نقش آفرینی آن در عرصه جهانی بینجامد؟

هویت اسلامی در جایگاه عاملی وحدت‌بخش می‌تواند امت اسلام را به بازیگری مؤثر در صحنه جهانی تبدیل کند. این نوشتار با روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به آیات قرآن کریم، ابتدا مؤلفه‌های اصلی هویت اسلامی را از متن قرآن به دست می‌آورد؛ در بخش دوم، نقش این مؤلفه‌ها در ایجاد هم‌گرایی میان مسلمانان در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بررسی می‌کند؛ سپس ظرفیت‌های این هم‌گرایی برای تأثیرگذاری بر نظام بین‌الملل تحلیل شده است و

* استادیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

در نهایت، تجربه جمهوری اسلامی ایران با عنوان نمونه‌ای عینی از تلفیق هویت اسلامی با عمل‌گرایی بین‌المللی ارزیابی می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد بازگشت به اصول قرآنی می‌تواند جهان اسلام را از حاشیه‌نشینی در نظام جهانی به بازیگری فعال تبدیل نماید.

شاخصه‌های هویت اسلامی در قرآن کریم

هویت اسلامی در قرآن کریم بر چند اصل بنیادین استوار شده است که هر یک به تفصیل قابل بررسی است:

توحید در جایگاه محور اصلی، تنها یک باور فردی نیست، بلکه نظامی جامع برای زندگی اجتماعی و بین‌المللی مسلمانان ارائه می‌دهد. آیاتی مانند «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱ نشان می‌دهد تمامی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی باید حول محور عبودیت خداوند سامان یابد. این نگاه در تقابل کامل با نظام سکولار غرب قرار دارد که دین را به حریم خصوصی محدود می‌کند.^۲

امت واحد مفهومی است که قرآن کریم بارها بر آن تأکید کرده است. آیه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً»^۳ به روشنی نشان می‌دهد مسلمانان با وجود تنوع قومی و جغرافیایی، یک امت بیشتر نیستند. این مفهوم در صدر اسلام به طور عینی تحقق یافت؛ وقتی مسلمانان مهاجر و انصار بدون توجه به اختلاف‌های قبیله‌ای، جامعه‌ای واحد تشکیل دادند. اشتراک در اهداف و ارزش‌ها و مسئولیت جمعی در قبال سرنوشت یکدیگر «أَشْدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ»^۴ از جمله شاخصه‌های امت واحد است.^۵

عدالت‌خواهی در جایگاه یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبران در آیه «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۶ مطرح شده است. این عدالت‌خواهی تنها به عرصه داخلی محدود نمی‌شود، بلکه باید در روابط بین‌الملل مسلمانان نیز تجلی یابد؛ نمونه تاریخی این رویکرد را در پیمان‌نامه پیامبر ﷺ با مسیحیان نجران می‌توان مشاهده کرد. مقابله با نظام سلطه جهانی و حمایت از تمام

۱. ذاریات: ۵۶.

۲. ر. ک به: سیدعلی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ۲۱۹-۳۵۰.

۳. انبیا: ۹۲.

۴. فتح: ۲۹.

۵. ر. ک. سیدعلی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ۶۸۸-۷۰۰.

۶. حدید: ۲۵.

جنبش های عدالت خواهانه و آزادی بخش از جمله کاربردهای این اصل است که نمونه عملی آن در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران و همچنین سیاست های جاری این کشور به روشنی دیده می شود.

اخلاق و تقوا شاخصه ممتاز مسلمانان در آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَأَمُّكُمْ»^۱ معرفی شده است. این ویژگی در روابط بین الملل مسلمانان می تواند به ایجاد اعتماد و کاهش تنش ها بینجامد. سیره پیامبر ﷺ در تعامل با دیگران حتی در جنگ ها، نمونه بارز این اخلاق مداری است.^۲

نقش هویت اسلامی در هم گرایی امت اسلام

هم گرایی امت اسلام بر اساس این شاخصه ها می تواند در چند سطح بررسی شود:

در سطح سیاسی و امنیتی، هویت اسلامی می تواند به ایجاد بلوک قدرتمندی از کشورهای اسلامی بینجامد. تجربه جنگ ۳۳ روزه لبنان نشان داد وقتی امت اسلام حول محور ارزش های اسلامی متحد می شود، چه توانایی هایی می تواند از خود نشان دهد. در آن مقطع با وجود اختلاف های سیاسی، موجی از حمایت های مردمی و رسمی از مقاومت اسلامی در سراسر جهان اسلام به راه افتاد؛ همچنین در جنگ ۱۲ روزه ایران با اسرائیل، هم گرایی امت اسلام و حمایت همه جانبه مردم ایران و سایر کشورهای اسلامی از دولت ایران و محکومیت اسرائیل خود نشان از ناکامی اسرائیل در عرصه سیاسی در این جنگ داشت. ایام هشت سال دفاع مقدس نیز نمونه بارز دیگری از جایگاه هویت اسلامی در بزنگاه ها و چالش هاست. مقام معظم رهبری در این باره چنین می فرمایند: «یک فایده ... [جنگ هشت ساله] این بود که ما این فکر و اندیشه دفاع از هویت ملی و هویت دینی و انقلابی را ... یک بار دیگر خودمان تجربه کردیم؛ این خیلی مهم است. یک جامعه ای که در جهت پیشرفت به سمت اهداف والا دارد حرکت می کند، به طور طبیعی مواجه می شود با موانع بسیاری به خصوص در دنیای مادی امروز و اگر آن آرمان ها، آرمان های معنوی و ضد قدرت طلبی و ضد دنیا طلبی و مانند اینها باشد، بدیهی است که موانعی به وجود می آید. اینکه یک ملتی احساس بکند که می تواند بر موانع پیروز بشود،

۱. حجرات: ۱۳.

۲. ر. ک. سید قطب، فی ظلال القرآن، ذیل آیه ۱۳ سوره حجرات؛ ر. ک. عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیات،

خیلی چیز مهمی است. بله، در روایات و آیات، توکل به خدا و "وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ" و مانند اینها را می‌خوانیم و می‌گوییم و عقیده هم داریم، لکن اینکه در عمل "وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ" را آدم ببیند، خیلی فرق می‌کند. حضرت ابراهیم با آن عظمت به خدای متعال عرض می‌کند که می‌خواهم زنده‌شدن مرده‌ها را ببینم. خداوند می‌فرماید: "أَوَلَمْ تَوَدَّ: مگر قبول نداری؟" جواب می‌دهد: "قَالَ بَلَى؛ چرا، قبول دارم؛ وَ لَكِنْ لِيُطَمِّنَنَّ قَلْبِي" ^۳.

جهان اسلام در عرصه اقتصادی با دارا بودن ۶۵٪ ذخایر نفت جهان و جمعیت جوان و مستعد، می‌تواند به قطب اقتصادی مهمی تبدیل شود؛ اما متأسفانه به دلیل ضعف هم‌گرایی، بیشتر کشورهای اسلامی به جای تجارت با یکدیگر، به غرب وابسته هستند. نظام اقتصادی اسلامی مبتنی بر مفاهیمی مانند زکات، انفاق و حرمت ربا می‌تواند الگوی بدیلی در مقابل نظام سرمایه‌داری غرب ارائه دهد. ^۴

در بعد فرهنگی و رسانه‌ای، جهان اسلام نیازمند ایجاد شبکه‌های مشترک فرهنگی است تا بتواند در مقابل تهاجم فرهنگی غرب ایستادگی کند. موفقیت شبکه‌هایی مانند «الجزیره» نشان می‌دهد وقتی رسانه‌های اسلامی با هویت مستقل عمل می‌کنند، چه تأثیر شگرفی می‌توانند داشته باشند. تولید محتوای دینی و علمی به زبان‌های مختلف اسلامی می‌تواند پیوند امت اسلام را مستحکم‌تر کند.

جمهوری اسلامی ایران در جایگاه الگوی هم‌گرایی

تجربه جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه گذشته نمونه بارزی از تلفیق هویت اسلامی با عمل‌گرایی بین‌المللی است. ایران با تکیه بر شاخصه‌های هویت اسلامی توانسته است در منطقه و جهان نقش آفرینی کند. از یک‌سو با زنده‌کردن مفاهیم قرآنی مانند عدالت‌خواهی، استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان، گفتمان جدیدی در عرصه بین‌الملل ایجاد کرده است؛ از سوی دیگر با دیپلماسی فعال، جایگاه خود را در معادلات جهانی ارتقا بخشیده است. سیاست‌های ایران در حمایت از جنبش‌های مقاومت در لبنان، فلسطین و یمن بر اساس

۱. طلاق: ۳.

۲. بقره: ۲۶۰.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، «بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس»، ۱۳۹۶/۰۳/۰۳.

۴. See Esposito, J.L. (2010). The Future of Islam.

همان اصل قرآنی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^۱ شکل گرفته است. از سوی دیگر، نوآوری هایی مانند میزبانی کنفرانس وحدت اسلامی و تأسیس مجمع تقریب مذاهب اسلامی نشان می دهد که ایران چگونه می تواند از هویت اسلامی خود در جهت ایجاد هم گرایی در جهان اسلام بهره ببرد.

البته این مسیر با چالش هایی نیز روبرو بوده است. فشارهای اقتصادی غرب، تبلیغات ضد ایرانی و گاه سوء تفاهم های برخی کشورهای اسلامی از مواضع ایران، موانعی در این راه ایجاد کرده است؛ اما تجربه نشان داده است که پایداری به اصول هویت اسلامی می تواند بر این چالش ها غلبه کند. راهبرد ایران در سال های اخیر نشان داده است چگونه می توان هم هویت اسلامی را حفظ کرد و هم در عرصه بین الملل بازیگری مؤثر بود.

نتیجه و پیشنهادها

بررسی حاضر نشان می دهد بازگشت به هویت اصیل اسلامی بر مبنای قرآن کریم می تواند راه برون رفتی از وضعیت کنونی جهان اسلام ارائه دهد. این هویت که حول محور توحید، امت واحد، عدالت خواهی و اخلاق مداری شکل می گیرد، ظرفیت آن را دارد که مسلمانان را از پراکندگی فعلی به وحدت مؤثر رهنمون شود.

برای تحقق این هدف، پیشنهادهایی ارائه شدنی است که به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. ایجاد نهادهای مشترک علمی - فرهنگی بین کشورهای اسلامی برای بازخوانی مفاهیم هویت اسلامی؛

۲. تشکیل بازار مشترک اسلامی با استفاده از مکانیسم های مالی اسلامی؛

۳. راه اندازی شبکه های رسانه ای مشترک برای مقابله با تهاجم فرهنگی؛

۴. تقویت دیپلماسی اسلامی مبتنی بر اصول قرآنی.

تجربه جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد با تکیه بر هویت اسلامی می توان هم در عرصه داخلی به پیشرفت های چشمگیر دست یافت و هم در صحنه بین المللی نقش آفرینی کرد. این الگو می تواند با بومی سازی در دیگر کشورهای اسلامی، راه را برای ظهور تمدن نوین اسلامی هموار کند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. جوادى آملی، عبدالله، مفاتیح الحیات، قم: اسراء، ۱۳۸۹ ش.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: صهبا، ۱۳۹۵ ش.
۳. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۲ ش.
۴. سید قطب، ابراهیم حسین، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، ۱۴۲۵ ق.
5. Esposito, J.L. (۲۰۱۰). The Future of Islam, Oxford University Press.
6. Nasr, S.H. (۲۰۰۴). The Heart of Islam, HarperOne.
7. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=۱۶۸۰>.

بازخوانی گفتمان اجتماعی فاطمی؛ از مطالبه‌گری تا اصلاح‌گری

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری*

اشاره

نقش زن در اجتماع گاه به دلیل تفاسیر نادرست از دین و گاه تحت تأثیر فرهنگ‌های خارجی، محدود یا تحریف‌شده است. بر این اساس، بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در جایگاه نخستین زن مسلمان کشگر پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، برای بازتعریف حضور اجتماعی زن مسلمان ضروری است. حضرت زهرا علیها السلام در دوره‌ای کوتاه اما سرنوشت‌ساز، با خطبه‌ها و موضع‌گیری‌های خود، حضوری آگاهانه، معترضانه و اصلاح‌گرانه داشت. حضور ایشان فراتر از بعد عاطفی و خانوادگی بود؛ درواقع حضوری سیاسی - اجتماعی و آگاهانه بود که هدف اصلاح مسیر جامعه و بازگشت به حقیقت اسلام و عدالت را داشت. این الگو بر سه رکن اساسی استوار بود: آگاهی، مسئولیت و عدالت‌خواهی.

در تقابل با دیدگاه‌هایی که زن را یا کاملاً از اجتماع حذف کرده‌اند یا نقش او را فقط نمادین می‌دانند، حضرت زهرا علیها السلام الگوی جامعی از «زن مؤمن مسئول» ارائه می‌دهد؛ زنی که در اجتماع نه تنها نظاره‌گر بلکه فعال، مطالبه‌گر و اصلاح‌گر است. بنابراین فاطمه زهرا علیها السلام را می‌توان مبدأ شکل‌گیری «گفتمان اجتماعی مؤمنانه» دانست که با عقل، ایمان و عدالت در برابر انحراف اجتماعی و سکوت همگانی می‌ایستد و از مطالبه‌گری به دنبال اصلاح جامعه خویش و هدایت آن به سمت معنویت و الوهیت است؛ وظیفه‌ای که خداوند بر دوش نبی خود قرار داد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ * وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...»^۱؛ یعنی ای پیامبر، با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت کن.

* دانشجوی دکتری رشته مدیریت.

آنچه این نوشتار بدان می‌پردازد، این است که گفتمان فاطمیه چگونه از سطح یک اعتراض سیاسی یا مطالبه حق شخصی (ماجرای فدک) فراتر رفت^۱ و به گفتمانی تمدن‌ساز تبدیل گردید؟ بنابراین نوشتار حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه مؤلفه‌هایی در گفتمان اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد که آن را از «مطالبه‌گری» به «اصلاح‌گری» ارتقا می‌دهد؟ در این نوشتار برای پاسخ به پرسش، از روش تحلیل گفتمان تاریخی - دینی گرفته شده است؛ بدین معنا که سخنان و کنش‌های اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام در قالب یک نظام معنایی منسجم تحلیل می‌شود.

بخش اول: مفهوم‌شناسی گفتمان اجتماعی - فاطمی

۱. مفهوم گفتمان اجتماعی در نگاه دینی و جامعه‌شناختی

واژه «گفتمان» (Discourse) در علوم اجتماعی به مجموعه‌ای از معانی، مفاهیم و کنش‌های گفتاری اطلاق می‌شود که در بستر اجتماعی تولید و بازتولید می‌گردد.^۲ گفتمان در نگاه دینی، نه صرفاً بیان واژه‌ها بلکه نظامی از اندیشه و کنش است که حقیقتی الهی را در جامعه به جریان می‌اندازد.

خداوند متعال در قرآن بارها از «قول» در جایگاه کلامی که منجر به کنش مؤثر اجتماعی شود، اشاره دارد؛ مانند «قَوْلًا سَدِيدًا»^۳ که نشانه گفتاری اصلاح‌گر و سازنده است. بنابراین در اندیشه اسلامی، «گفتمان» با مفهوم «بیان حق» و «دعوت به خیر»^۴ پیوند دارد.

۲. گفتمان فاطمی در بستر تاریخی

گفتمان اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام در فضایی شکل گرفت که جامعه اسلامی در حال انحراف از ارزش‌های نبوی بود؛ خلافت به قدرت تبدیل شده بود و مفهوم عدالت به اطاعت بی‌چون‌وچرا تنزل یافته بود؛ از این رو حضرت زهرا علیها السلام در چنین شرایطی با سخنان، مواضع و رفتارهای خود، «بیان اصلاحی» را بنیان نهاد.

۱. گرچه اهل نظر و دقت، خود واقف هستند که این موضوع هم امری شخصی نیست و باغ فدک، منبع درآمد اقتصادی شیعیان به شمار می‌آمده است.

۲. محمد خنیفر و ناهید مسلمی، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. احزاب: ۷۰.

«خطبه فدکیه» متن محوری گفتمان فاطمی است؛ متنی که هم تحلیل اجتماعی دارد، هم نقد سیاسی و هم دعوت به بازگشت معرفتی. به بیان دیگر، خطبه فدکیه فقط دفاع از فدک و مسئله‌ای شخصی نیست، بلکه دفاع از جهت‌گیری اجتماعی اسلام است؛ دفاع از عدالت و حق در برابر قدرت و مصلحت‌گرایی.

۳. مؤلفه‌های گفتمان اجتماعی حضرت زهرا (علیها السلام)

الف) آگاهی بخشی اجتماعی

آگاهی اجتماعی به توانایی درک احساسات، نیازها و دیدگاه‌های دیگران و واکنش مناسب در برابر آنها گفته می‌شود. این مهارت شامل همدلی، احترام به تفاوت‌ها، شناخت هنجارهای اجتماعی و رفتار مسئولانه در جامعه است.

حضرت زهرا (علیها السلام) در خطبه‌ها و گفتگوهای خود کوشید جامعه را از خواب غفلت بیدار کند و به آن، آگاهی اجتماعی مبتنی بر اندیشه توحیدی بدهد: «فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ»^۱ خداوند ایمان را مایه پاکیزگی شما از شرک و نماز را سبب دور شدن شما از تکبر قرار داد.

حضرت زهرا (علیها السلام) ایمان و سپس عدالت و ولایت را نظام معنایی جامعه مؤمنان بازتعریف می‌کند. این بخش از خطبه، بیانیه یا مرام‌نامه‌ای اجتماعی برای بازسازی هویت امت اسلامی است.

ایمان در برابر شرک، شالوده اساسی و ریشه بنیادین تمام حرکات اجتماعی در جامعه است. بر همین اساس آن حضرت تمام تلاش خود را به کار گرفت تا به جامعه آگاهی دهد که ممکن است ریشه این جامعه که در ایمان قرار دارد، به سمت شرک گرایش پیدا کند؛ ریشه‌ای که میوه‌های آن چیزی جز ضلالت و گمراهی برای اعضای جامعه نخواهد داشت.

ب) عدالت‌خواهی و مسئولیت اجتماعی

گفتمان فاطمی، عدالت‌محور است؛ نه صرفاً عدالت در تقسیم فدک و اجرای آن برای منافع فردی، حزبی یا گروهی، بلکه عدالتی در ساختار قدرت و ارزش‌ها و عدالتی که تمامی افراد جامعه از آن بهره‌مند شوند. آنچه تاریخ بدان گواهی می‌دهد، این است که حضرت زهرا (علیها السلام) به

۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۹۹ (بخشی از خطبه فدکیه).

دفاع از حق شخصی پرداخت، بلکه به دفاع از نظام حق پرداخت؛ زیرا جامعه بدون عدالت، امت واحده نیست، بلکه جمعیتی پراکنده است.

ج) دفاع از حقیقت ولایت

آنچه در خطبه فدکیه ارائه شد، ولایت و امامت را از موضوعی صرفاً عقیدتی یا حق فردی فراتر برد و آن را در جایگاه ضامن سلامت و همبستگی اجتماعی امت تبیین می‌کند. حضرت زهرا (علیها السلام) با استفاده از عبارات دقیق و کلیدی، کارکرد اجتماعی ولایت اهل بیت (علیهم السلام) را تشریح می‌نماید: «فَجَعَلَ اللَّهُ ... إِطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ ...^۱ خدا اطاعت از ما را رشته سامان ملت، و امامت ما را مایه ایمنی از تفرقه قرار داده است». این جمله ولایت را با دو کارکرد حیاتی اجتماعی پیوند می‌زند: نظام برای ملت و ایمنی در برابر تفرقه.

نظام برای ملت (نظاماً لِلْمِلَّة)

اطاعت از اهل بیت (علیهم السلام) به مثابه یک «نظام» یا «رشته سامان» معرفی شده است. همان‌طور که رشته، دانه‌های تسبیح را کنار هم نگه می‌دارد و به آن نظم می‌بخشد، اطاعت از ولایت نیز ساختار جامعه اسلامی را از بی‌نظمی و هرج و مرج حفظ می‌کند. ولایت، مرجعیت واحدی است که اصول اخلاقی، حقوقی و سیاسی جامعه را ساماندهی می‌کند و از تنازع در مرجعیت جلوگیری می‌نماید.

ایمنی در برابر تفرقه (أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ)

حضرت زهرا (علیها السلام) امامت را «امان» یا پناهگاهی می‌دانند که از امت در برابر «تفرقه» و جدایی محافظت می‌کنند. امامت محور وحدت است؛ زیرا در غیاب یک امام منصوب از جانب خدا، هر گروهی به سوی مرجعی دلخواه گرایش می‌یابد و جامعه با انشعاب، فرقه‌گرایی و در نهایت فروپاشی روبرو می‌شود.

بنابراین از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام)، ولایت در جایگاه ستون فقرات جامعه اسلامی است که هم ایجادکننده نظم اجتماعی است و هم وحدت جامعه را تضمین می‌کند.

د) حضور مؤمنانه در عرصه عمومی

حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجد به سخن پرداخت؛ در برابر مهاجران و انصار استدلال کرد، به در خانه‌ها رفت و مردم را آگاهی بخشید. این حضور فقط سیاسی نبود، بلکه تربیتی و آگاهی‌بخش

بود. او نخستین زنی بود که با گفتار خود، وجدان اجتماعی امت را بیدار کرد و مفهوم مسئولیت را از حوزه مردان به قلمرو همه مؤمنان گسترش داد.^۱

۴. تمایز گفتمان فاطمی با گفتمان‌های صرفاً سیاسی و عاطفی

گفتمان فاطمی برخلاف برخی تفاسیر عاطفی یا سیاسی صرف، گفتمانی جامع است؛ عقلانی، سیاسی، الهی و اجتماعی. هدف در گفتمان سیاسی صرف، کسب قدرت است؛ همچنین هدف در گفتمان عاطفی، تحریک احساسات است؛ اما هدف گفتمان فاطمی، اصلاح امت و احیای عدالت است. فاطمه علیها السلام بانویی آگاه بود که سیاست را با دیانت و عدالت درآمیخت و نه تنها به مردان، بلکه به زنان نیز آموخت که هرگاه جامعه در ورطه خطر گمراهی و ضلالت قرار می‌گیرد، همگان اعم از زن و مرد باید به اصلاح و احیای جامعه بپردازند.

امروزه زیست عقیقانه، حجاب و پوشش دینی، مورد هجوم جنگ نرم دشمن قرار گرفته است؛ بر همین اساس زنان مؤمن با الگوگیری از بانوی بزرگ اسلام حضرت زهرا علیها السلام، باید گام در این میدان بگذارند و در گام نخست با حجاب اسلامی خویش و سپس با کلام دلنشین خود، به امر به معروف و نهی از منکر زنان اقدام کنند.

بخش دوم: گفتمان مطالبه‌گر

۱. زمینه تاریخی مطالبه‌گری فاطمی

جامعه اسلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد مرحله‌ای از بحران مشروعیت سیاسی و تزلزل ارزش‌های اجتماعی شد. عدالت که اساس حکومت نبوی بود، جای خود را به رقابت‌های قبیله‌ای و قدرت‌طلبی داد. حضرت زهرا علیها السلام در چنین زمینه‌ای، در جایگاه «وارث رسالت» و «حافظ ارزش‌های نبوی» سکوت نکرد و در برابر انحراف نوپدید ایستاد. مطالبه‌گری فاطمی در واقع پاسخی دینی و عقلانی به یک بحران اجتماعی بود.

۲. محورهای مطالبه حضرت زهرا علیها السلام

الف) مطالبه حق ولایت در جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله

حضرت زهرا علیها السلام خلافت را نه یک دعوای سیاسی، بلکه انحرافی از مسیر حقیقی ولایت و

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۹۳ به بعد؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج

علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۳۱ - ۱۴۹؛ احمد بن ابی طاهر ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۳.

رهبری می‌دانست. ایشان در خطبه فدکیه با تلاوت آیه ۵۰ سورة «مائدة»، بر این نکته تأکید کردند که هدفشان بازگرداندن جامعه به مسیر امامت و عدالت است: «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ: آیا آنان حکم جاهلیت را می‌طلبند؟ و چه کسی بهتر از خدا برای قومی که یقین دارند، حکم می‌کند؟»

(ب) مطالبه حقوق اجتماعی و اقتصادی

ماجرای فدک تنها یک مسئله مالی نبود، بلکه به مثابه نماد عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی اهل بیت علیهم‌السلام مطرح شد. در نگاه حضرت زهرا علیها‌السلام، مصادره فدک به معنای حذف الگوی عدالت‌محور از ساختار اجتماعی بود؛ از این رو ایشان با استدلال‌های قرآنی نشان داد مالکیت فدک حق الهی است، نه امتیاز شخصی؛ بر همین اساس به آیه «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ»^۱ استناد و احتجاج کردند که این احتجاج، نمونه‌ای روشن از مطالبه‌گری عقلانیت قرآنی است.

(ج) مطالبه بازگشت امت به سیره نبوی

در خطبه فدکیه و دیدار با مهاجر و انصار، حضرت زهرا علیها‌السلام جامعه را به یاد «روزهای نورانی نبوت» می‌اندازد و از آنان می‌خواهد مسیر عدالت و توحید را دوباره در پیش گیرند: «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُدَقَّةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْرَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعَجْلَانِ، وَ مَوْطِئَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقَدَّ، أَذِلَّةَ حَاسِيَيْنِ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَانْقَذَكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ آلهِ بَعْدَ اللَّتَيَا وَ اللَّتَى»^۲ شما در آستانه پرتگاه آتش دوزخ بودید؛ چون جرعه‌ای ناچیز برای تشنه‌لبان، چون لقمه‌ای آماده برای طمع‌ورزان، چون اخگری در دست شتاب‌زنان و چون زمینی که پای هر رهگذری آن را می‌کوبد. آب‌های آلوده و گل‌آلود می‌نوشیدید و از پوست خشک جانوران تغذیه می‌کردید. خوار و بی‌مقدار بودید، رانده و محروم و از ترس آنکه دیگران از هرسو به شما بتازند، در هراس و وحشت به سر می‌بردید. اما خداوند تبارک و تعالی پس از آن همه سختی و رنج، به وسیله محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ آلهِ شما را نجات داد و از آن ورطه‌رهای بخشید.

۱. نمل: ۱۶.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳. ابزارهای مطالبه‌گری حضرت زهرا (علیها السلام)

الف) خطبه فدکیه؛ بیانیه اجتماعی و سیاسی

«خطبه فدکیه» مهم‌ترین سند گفتمان مطالبه‌گر فاطمی است. این خطبه از نظر ساختار، بیانیه‌ای اجتماعی و سیاسی است که حضرت در آن از توحید، نبوت، عدالت، ولایت و ... سخن می‌گوید.

ب) گفتگو با مهاجر و انصار

حضرت زهرا (علیها السلام) پس از ایراد خطبه در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خود به در خانه‌های انصار رفتند و با آنان گفتگو کردند. این حرکت مصداق «مطالبه‌گری میدانی» در سطح جامعه است. فاطمه (علیها السلام) با شجاعت و آرامش، گفتگو را برگزید.

ج) سخنرانی در جمع زنان مدینه

خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در میان زنان مدینه، یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین سخنرانی‌ها در تاریخ اسلام به شمار می‌آید. محتوای این خطبه به گونه‌ای بود که آثار عمیق و گسترده‌ای در جامعه‌ی آن روز بر جای گذاشت. بنا بر نقل سَیِّد بن غفله، پس از آنکه زنان مدینه سخنان حضرت فاطمه (علیها السلام) را برای همسران خود بازگو کردند، گروهی از مردان برای عذرخواهی نزد حضرت آمدند و اظهار داشتند که با ابوبکر بیعت کرده‌اند و از نظر شرعی نمی‌توانند بیعت خود را بشکنند؛ از این رو خود را از یاری‌رساندن به حضرت در احیای خلافت علی (علیه السلام) معذور دانستند. حضرت زهرا (علیها السلام) پس از شنیدن این سخنان، آنان را از خود دور کردند و فرمودند: «با من سخن مگوید که عذرخواهی شما صادقانه نیست^۱ و هیچ بهانه‌ای برای دفاع نکردن از حق نخواهید داشت و در قبال فجایعی که در آینده پیش خواهد آمد، مسئولید»^۲.

برخی از پژوهشگران اسلامی، سخنان فاطمه زهرا (علیها السلام) در جمع زنان مدینه را دارای فصاحت و بلاغتی ستودنی و دربرگیرنده محتوایی شگفت‌انگیز می‌دانند.^۳ با توجه به شناختی که حضرت فاطمه (علیها السلام) از تحولات جامعه نوپای اسلامی داشتند، برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبان خود که به طور مستقیم زنان مدینه و به طور غیر مستقیم مردان مدینه بودند، از کنش‌های گفتاری متعددی همچون کنش‌های اظهاری، عاطفی و ترغیبی در این خطبه بهره برده‌اند. همچنین با بررسی

۱. حسینی‌علی منتظری، خطبه فاطمه زهرا (علیها السلام) و ماجرای فدک، ص ۴۲۴ - ۴۲۶.

۲. علی کرمی، سیره و سیمای ریحانه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ص ۷۴۸ - ۷۴۹.

۳. همان، ص ۷۳۴.

محتوای خطبه، آشکار می‌شود که ایشان آگاهی کاملی از مسائل و جریان‌های حاکم بر مدینه داشتند.^{۱ و ۲}

۴. ویژگی‌های گفتمان مطالبه‌گری فاطمی

ویژگی	توضیح
آگاهانه و مستدل	مبتنی بر قرآن و عقل
مسئولانه	در پی اصلاح امت، نه انتقام شخصی
اخلاقی و مؤدبانه	با وجود نقد کردن، حفظ حرمت امت و امام
ایمانی و الهی	انگیزه الهی و نه قدرت طلبی
عمومی و اجتماعی	خطاب به مردم و نخبگان جامعه

شاید بتوان گفت مطالبه‌ای که حضرت در جامعه آن را به صورت یک روش به دیگران آموختند، نخستین شکل از جامعه‌پذیری آگاهانه در تاریخ اسلام است؛ زیرا ایشان با گفتار خود، مفاهیم عدالت و حق را از سطح نظری به سطح اجتماعی آورد.

بخش سوم: گذار از مطالبه‌گری به اصلاح‌گری

۱. اعتراض به آگاهی؛ تغییر سطح کنش فاطمی

پس از خطبه فدکیه و عدم واکنش مردم، حضرت زهرا علیها السلام مسیر خود را از گفتار در سطح نخبگان به گفتار در سطح مردم تغییر دادند؛ از این رو به در خانه مهاجر و انصار رفتند تا مستقیم و رودررو با وجدان اجتماعی امت سخن بگویند. این گذار، نقطه عطفی است در گفتمان فاطمیه؛ حرکت از «خطاب به قدرت و نخبگان» به «خطاب به جامعه»؛ در واقع می‌توان گفت وقتی حجت بر حاکمان تمام شد، فاطمه علیها السلام حجت را بر وجدان مردم تمام کرد. این همان اصلاح‌گری دینی است، نه سیاست‌ورزی دنیوی.

با این چرخش مشخص می‌شود که ریشه انحراف فقط در تصمیم سیاسی نیست، بلکه در ضعف ایمان، سستی ارزش‌ها و غفلت جمعی نیز مشاهده می‌شود.

۱. محبوبه خزاعی و دیگران، «تحلیل خطبه عیادت بر پایه نظریه کنش گفتاری»، ص ۷-۸.

۲. فتحیه فتاحی‌زاده و محمدرضا رسولی‌راوندی، «اسناد و شروح خطبه‌های حضرت زهرا (ع)»، ص ۱۷-۱۸.

۲. معنای اصلاح‌گری در گفتمان دینی

اصلاح‌گری در اندیشه اسلامی، فراتر از تغییر ساختارهای ظاهری است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ»^۱ من جز اصلاح تا آنجا که توانایی دارم، نمی‌خواهم؛ اصلاح به معنای بازگرداندن جامعه به مسیر فطرت و عدالت است.

در گفتمان فاطمی، اصلاح‌گری عبارت است از: بازسازی فکری، اخلاقی و فرهنگی امت بر محور ایمان و ولایت. حضرت زهرا علیها السلام در مواضع خود دقیقاً همین مسیر را پیمود. او از مطالبه «حق» به مطالبه «حق‌گرایی» رسید؛ یعنی از دفاع از مصداق عدالت، به تربیت جامعه‌ای عادل حرکت کرد.

۳. ابعاد اصلاح‌گری حضرت زهرا علیها السلام

الف) اصلاح معرفتی - بازسازی فهم امت از ولایت

بزرگ‌ترین دغدغه حضرت زهرا علیها السلام این بود که امت اسلامی از معنا و فلسفه حقیقی ولایت دور شده است. آن حضرت در خطبه فدکیه با طرح پرسش‌های بنیادین، جامعه را به بازاندیشی در مفهوم ولایت فراخواند.

ب) اصلاح اخلاقی - احیای روحیه مسئولیت‌پذیری در جامعه

یکی از پیام‌های اصلی سیره فاطمی، بازسازی اخلاق اجتماعی است. در روزگاری که مردم در برابر ظلم سکوت پیشه کردند، حضرت زهرا علیها السلام با رفتار و گفتار خود، روح اخلاقی مسئولانه را زنده کرد. رفتار شجاعانه ایشان در مسجد، صبر و بردباری‌اش در خانه و کرامتش در برابر مخالفان، هر سه جلوه‌هایی از «اصلاح اخلاقی» در سیره فاطمی هستند.

ج) اصلاح فرهنگی - بازگرداندن جامعه به ارزش‌های نبوی

اصلاح فرهنگی در گفتمان فاطمی، فراتر از یک واکنش صرفاً سیاسی یا فردی است، بلکه حرکتی عمیق برای بازسازی معیارها، ارزش‌ها و باورهای جامعه‌ی اسلامی به شمار می‌آید. حضرت زهرا علیها السلام با درک عمیق از ماهیت انحراف پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، دریافتند که ریشه بحران امت، فرهنگی است نه صرفاً سیاسی. مردم از روح دین فاصله گرفته بودند و عدالت، ایثار و ایمان جای خود را به مصلحت‌اندیشی، قدرت‌طلبی و تعصبات قبیله‌ای سپرده بود. در چنین

فضایی، ایشان به جای تکیه بر قدرت، مسیر اصلاح فرهنگی را در پیش گرفت تا ارزش‌های اصیل نبوی را دوباره در جامعه زنده کند.

یکی از جلوه‌های بارز این اصلاح فرهنگی، حضور آگاهانه حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجدالنبی بود. ایشان با سخنرانی روشنگرانه در جمع مهاجر و انصار، آموزه‌های اصیل اسلام را یادآور شدند و با زبانی الهی و عقلانی، از حق و عدالت دفاع کردند. این حضور، الگویی از «عفاف فعال» است؛ به این معنا که زن مؤمن می‌تواند در متن جامعه حضور یابد، بدون آنکه از حریم کرامت خویش خارج شود.

دومین نمود این اصلاح در پوشش و رفتار اجتماعی حضرت زهرا (علیها السلام) متجلی است. ایشان با حفظ حجاب و متانت، نشان دادند که زن مسلمان می‌تواند هم در صحنه اجتماع حضوری مؤثر داشته باشد و هم تمامی ارزش‌های اخلاقی را پاس بدارد. به عبارت دیگر، فاطمه (علیها السلام) عفاف را از انزوا جدا کردند و آن را به کنش اجتماعی پیوند زدند.

سومین و عمیق‌ترین جلوه اصلاح فرهنگی، تدفین شبانه حضرت زهرا (علیها السلام) بود. این اقدام نمادین، اعتراض خاموش و تاریخی به بی‌عدالتی و فراموشی حق بود. با این عمل، ایشان پیامی ماندگار به امت دادند: هرگاه عدالت به حاشیه رانده شود، باید بیداری فرهنگی را با «زبان رفتار» آغاز کرد.

بنابراین حضرت زهرا (علیها السلام) با سه کنش نمادین حضور آگاهانه، عفاف فعال و اعتراض اخلاقی، فرهنگ جامعه را از درون متحول کردند و مسیر اصلاح نبوی را بر واکنش صرفاً سیاسی ترجیح دادند.

۴. گذار از کنش به فرهنگ؛ نقطه اوج گفتمان فاطمی

آخرین مرحله از اصلاح‌گری فاطمی، تبدیل کنش‌های فردی به یک الگوی فرهنگی ماندگار است. حضرت زهرا نه تنها در زمان خویش بلکه در طول تاریخ اسلام، به «الگوی معنوی و اجتماعی» بی‌بدیلی برای همه زنان و مردان تبدیل شدند. ایشان با رفتار و گفتار خویش، «فرهنگ اعتراض اخلاقی و اصلاح مؤمنانه» را پایه‌گذاری کردند؛ فرهنگی که مصداق بارز آن، تداوم یافتن در قیام عاشورا و حرکت زینبی است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، قم: مکتب الحیدریه، ۱۳۷۸ ش.
۳. خزاعی، محبوبه، حسین خاکپور و ولی الله حسومی، «تحلیل خطبه عیادت حضرت زهرا علیها السلام بر پایه نظریه کنش گفتاری»، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۸۰، ۱۳۹۸ ش.
۴. خنیفر، محمد و ناهید مسلمی، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، تهران: انتشارات نگاه دانش، ۱۳۹۷ ش.
۵. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، مترجم: بهزاد جعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۶. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مصحح: محمدباقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۷. فتاحی‌زاده، فتحیه و محمدرضا رسولی‌راوندی، «اسناد و شروح خطبه‌های حضرت زهرا (ع)»، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، ش ۴۵، ۱۳۹۵ ش.
۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۵ ش.
۹. کرمی فریدونی، علی، سیره و سیمای ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله، قم: نشر دلیل ما، ۱۳۷۰ ش.
۱۰. مسعودی، حسن بن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت: مکتبه العصریه، ۱۴۲۵ ق.
۱۱. منتظری، حسینعلی، خطبه فاطمه زهرا علیها السلام و ماجرای فدک، قم: دفتر حضرت آیت الله منتظری، ۱۳۷۴ ش.

منطق مؤمنان و کافران در مواجهه با حوادث از منظر قرآن

حجت الاسلام والمسلمین علی اسلامی (مدیر)*

اشاره

حوادث و رخدادهای زندگی خوشایند یا ناگوار، بخش جدایی ناپذیری از تجربه بشری اند و نگرش انسان در برابر آنها، بازتابی از جهان بینی و نظام اعتقادی اوست. قرآن کریم با تکیه بر مبانی توحیدی، جایگاه و ماهیت این حوادث را در پرتو رابطه انسان با خداوند تبیین می کند و از دو منطق کاملاً متمایز در برابر آنها سخن می گوید: منطق مؤمنان و صابران که ریشه در ایمان به مبدأ و معاد دارد؛ منطق کافران و منکران که نمود غفلت، خودباوری افراطی و دلبستگی به مظاهر دنیاست. از دیدگاه قرآن، تفاوت انسان ها در نگرش به مصایب و نعمات فقط در نوع حادثه نیست، بلکه در نوع بینش و معرفت آنها در برابر خالق، هدف آفرینش و فلسفه امتحان الهی نهفته است.

نوشتار حاضر با هدف بررسی دقیق این دو رویکرد در آیات قرآن، می کوشد نشان دهد چگونه عقل و ایمان، صبر و تسلیم و درک حکمت الهی، مؤمن را در برابر ناملایمات به آرامش و پایداری می رساند؛ در حالی که غفلت از خدا، احساس مالکیت مطلق و دلبستگی به دنیا، کافر را در برابر حوادث به اضطراب، تکبر و یأس گرفتار می سازد. بدین سان تبیین «منطق مؤمنان و کافران» نه تنها به فهم ژرف تر فلسفه بلا و نعمت در قرآن یاری می رساند، بلکه می تواند راهنمایی نظری و عملی برای مواجهه مؤمنانه با بحران ها و تحولات عالم انسان باشد.

الف) منطق مؤمنان در مواجهه با حوادث

قرآن کریم در آیاتی گوناگون از دو منطق و رویکرد در مواجهه با حوادث و رخدادها خبر می دهد؛ نخست: منطق توحیدی مومنان؛ دوم: منطق و رویکرد کافران و ناشکیبایان. در این

* استادیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بخش به تبیین منطق توحیدی مؤمنان و صابران در مواجهه با حوادث پرداخته می‌شود. این منطق از آیاتی از قرآن کریم به دست آمده است و می‌تواند بر پایه آیاتی سامان یابد.

۱. اعتقاد به مبدأ و معاد

خدای سبحان درباره آزمون‌های الهی در دنیا و منطق موحدان صابر در برابر حوادث ناگوار دنیا می‌فرماید: «وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بَنِيَّ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» بی‌تردید ما شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش دارایی‌ها و نفوس و فرزندان می‌آزماییم و تو [ای پیامبر] به شکیبایان نوید ده؛ همانان که چون پیشامدی ناگوار به آنان رسد، می‌گویند ما از آن خداییم و به او بازآییم. اینان‌اند که الطافی از پروردگارشان بر آنها بگسترد و در پی آن رحمتی فراگیردشان و نتیجه آن شود که ایشان به حق راهیاب شوند.^۱ این آیات نشان می‌دهند انسان همواره با حوادث و مشکلاتی در معرض آزمایش است و چنانچه در مشکلات صبر کند و به اعتراض زبان نگیرد، این مصایب هرچند به ظاهر تلخ، نتیجه شیرینی خواهند داشت.^۲

بر اساس عبارت «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ»، شناخت و باور به مبدأ و معاد که منطق توحیدی مؤمنان و صابران است،^۳ انسان را از امتحان‌ها سرافراز بیرون می‌آورد و او را در هر حالتی استوار، مستقیم و معتدل نگه می‌دارد؛ زیرا چنین اعتقادی در نعمت، به انسان توفیق صبر و در نعمت، به او توفیق شکر می‌دهد. موحد در برابر نعمت‌های خدا شاکر است، نه مسرور مغرور. آن‌که از یک‌سو خود و اوصاف و افعال خود را و از سوی دیگر همه نعمت‌ها را ملک و مُلک خدا می‌داند، خود را مالک نمی‌پندارد؛ از این رو به منعم دل می‌بندد و به توحید و یاد مُنعم خوشحال است، نه به نعمت؛ زیرا اگر نعمت عامل نشاط باشد و انسان به آن خوشحال شود،

۱. بقره: ۱۵۵ - ۱۵۷.

۲. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۶، ص ۷۸۱ و ج ۱۹، ص ۳۲۵.

۳. «قول» در این گونه موارد، مانند آیه «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ» (فصلت: ۳۰) و «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ» (فصلت: ۳۳) به معنای عقیده و مرام است. معنای آیه مورد بحث نیز این نیست که صابران فقط در لفظ، جمله «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» را بر زبان جاری می‌کنند، بلکه بدین معناست که مقال و عقیده و خُلق آنان در حوادث گوناگون و در همه شئون زندگی طبق ایمان به مبدأ و معادبودن خداست (عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۷، ص ۶۷۶).

آن‌گاه که از دستِ وی رفت، عامل غم می‌شود و انسان نگران خواهد شد.^۱

به گفته برخی مفسران، مردان حق و پیروان راستین مکتب انبیا چنان پرظرفیت‌اند که نه روی آوردن نعمت‌ها آنها را دگرگون می‌سازد و نه اِدبار دنیا ناتوان و ناامیدشان می‌کند و به مصداق «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»^۲، سودمندترین تجارت‌ها آنها را از یاد خدا غافل نمی‌سازد. آنها فلسفه تلخی‌ها و شیرینی‌های زندگی را به‌خوبی می‌دانند؛ همچنین می‌دانند که گاه تلخی‌ها زنگ بیدارباش‌اند و شیرینی‌ها آزمایش و امتحان الهی. گاه تلخی‌ها مجازات غفلت‌هاست و نعمت‌ها برای برانگیختن حس شکرگزاری بندگان. امیر مؤمنان علیه السلام در نیایشی به خدا عرض می‌کند: «نَسْأَلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَجْعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِمَّنْ لَا تُبْطِرُهُ نِعْمَةٌ»^۳ از خدا می‌خواهیم که ما و شما را از کسانی قرار دهد که هیچ نعمتی آنها را مست و مغرور نمی‌سازد.

۲. باور به ثبت و تقدیر حوادث پیش از روی دادن آنها

خدای سبحان می‌فرماید: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ»^۴ هیچ بلا و مصیبتی نه در زمین و نه درباره خودتان رخ نمی‌دهد، مگر پیش از آنکه پدیدش آوریم، در کتابی ثبت شده است. به‌یقین ثبت و نوشتن رویدادها پیش از رخ دادن آنها بر خدا آسان است. این حقیقت را یادآور شدیم تا بر نعمت‌هایی که از دست داده‌اید، اندوه مخورید و از آنچه خدا به شما ارزانی کرده است، شادمان نباشید». این بینش توحیدی، انسان را در زندگی راحت می‌کند؛ زیرا وی می‌داند که خدای سبحان همه پدیده‌ها و حوادث عالم را در حد آزمون برای انسان تنظیم کرده است و هر روز، رنگی از روزگار ظهور می‌کند؛ به طوری که گاهی جریان امور به دست او و زمانی به دست دیگران است و هر دو آزمون است؛ ازاین‌رو در حوادث خوشایند و زمان رفاه و تمکّن، خود را مستحق آن نمی‌داند، تفاخر نمی‌کند و به مَرَح و فَرَح ناروا آلوده نمی‌شود. روز زوال مکنّت و در حوادث ناگوار نیز متأسف و نومید و غمگین نمی‌شود و خود را

۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۷، ص ۶۷۶.

۲. نور: ۳۷.

۳. صبحی صالح، نهج البلاغه، خطبه ۶۴، ص ۹۵؛ ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۲۴.

۴. ۳۲۵ -

۴. حدید: ۲۲ - ۲۳.

نمی‌بازد و به زحمت نمی‌اندازد.^۱

۳. اعتقاد به حکمت و عدل الهی

انسان مومن، خدا را «حکیم» و «عادل» می‌داند؛ از این‌رو چنانچه دیگران برای او رخدادی ناگوار پیش آورند، اگر آن رخداد ناگوار مطابق عدل بود، انسان مؤمن موحد صابر باور دارد که پاداش صبر خود در برابر آن حادثه را از خدای حکیم عادل دریافت خواهد کرد و اگر ظلم بود، خدای سبحان انتقام آن را خواهد گرفت و چنین باوری در حدّ خود، آرام‌بخش و مصداق «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲ است؛ بدین‌گونه رجوع به خدای حکیم عادل موجب تسلی است.^۳

۴. توجه به ناپایداری دنیا

خدای سبحان از زیور زندگی دنیا به «زَهْرَة» (شکوفه) تعبیر می‌کند تا ناپایداری آن را نشان دهد؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ»؛^۴ به آنچه گروه‌هایی از کافران را بدان بهره‌مند کرده‌ایم، چشم ندوز. ما زیور زندگی دنیا را برای کافران خواستیم تا آنان را در آنچه به ایشان داده‌ایم، بیازماییم و روزی پروردگارت که در آخرت به تو ارزانی می‌شود، بهتر و پابنده‌تر است». در تفسیر تسنیم درباره این آیه چنین آمده است: «به مؤمنان تعلیم داده که دنیا را در حدّ زهره و شکوفه‌ای که هرگز میوه نمی‌شود، بنگرند و با کژاندیشان دنیا‌زده با بزرگواری و سلامت برخورد کنند: "وَإِذَا مَرَّوَا بِاللُّغْوِ مَرَّوَا كِرَامًا"؛^۵ "وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا"».^۶

خدای سبحان همان‌گونه که انسان را با ندادن، گرفتن یا کاستن نعمت می‌آزماید، به دادن نعمت مانند مقام‌های ظاهری و باطنی، پیروزی و تمکن، مال، فرزندان و توفیر ثمرات نیز امتحان می‌کند. البته حیات دنیا در حدّ شکوفه است و هرگز به ثمر نمی‌رسد؛ زیرا درخت دنیا در منطقه سردسیر غرس شده است؛ به همین سبب شکوفه آن پیش از میوه شدن دچار سرمای زودرس

۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۷، ص ۶۵۹؛ نیز ر.ک: ج ۷، ص ۶۷۸.

۲. رعد: ۲۸.

۳. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۷، ص ۶۷۹.

۴. طه: ۱۳۱.

۵. فرقان: ۷۲.

۶. فرقان: ۶۳.

۷. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۰، ص ۳۶۰.

می‌شود و فرو می‌ریزد؛ از این‌رو تاکنون هیچ‌کس از درخت دنیا میوه نچیده است؛ اما همین شکوفه هم ابزار آزمون است.^۱

دنیا هرگز کام کسی را شیرین نمی‌کند، چون شکوفه دنیا برای امتحان است. آن‌که می‌کوشد به مقامی برسد، وقتی تا اندازه‌ای کامور شد و تلاش او شکوفه داد، یا مرگش فرا می‌رسد یا بیمار می‌شود یا مشکلات دیگری برایش پدید می‌آیند؛ حتی اگر بدان چنگ افکند، تا بخواهد خودش را آماده بهره‌برداری سازد و به آسایش دست یابد، نوبت دیگری فرامی‌رسد؛ پس نگاه آزمندانه به مواهب طبیعی ممنوع است.^۲

به اعتقاد علامه طباطبایی، گونه‌ای دیگر از اشاره به ناپایداری دنیا در قرآن، تعبیر از برخورداری از نعمت‌های دنیا به «إِذاقَه: چشاندن» است؛ چنان‌که در آیه «وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيُؤْسُ كَفُورٌ»^۳ آمده است. کلمه «ذوق» [که فعل «أَذَقْنَا» از آن گرفته شده] به معنای آن است که چیزی را برای اینکه بدانی چه مزه‌ای دارد، در دهان بگذاری. خدای سبحان در این آیه، حلال کردن لذت‌ها برای انسان‌ها را «إِذاقَه: چشاندن» خوانده است تا بفهماند لذات دنیا مانند طعم غذاها ناپایدار است و به سرعت از بین می‌رود.^۴

ب) منطق کافران در مواجهه با حوادث

منطق (گفتار و رفتار) کافران در مواجهه با حوادث در آیات متعددی بیان شده است؛ خداوند به دو رویکرد متفاوت آنان در برابر حسنه (حوادث گوارا) و سیئه (حوادث ناگوار) اشاره می‌کند که در ادامه به نمونه‌ای از این آیات در هر دو زمینه اشاره می‌شود.

۱. منطق کافران در برابر حوادث گوارا

بر اساس آیاتی از قرآن، کافران در برابر رخدادهای شیرین چندگونه برخورد و رفتار و گفتار ناروا دارند:

الف) ادعای بی‌جای شایستگی دریافت نعمت: خدای سبحان درباره آل‌فرعون می‌فرماید: «فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ: هنگامی که نیکی [و فور نعمت و گشایش

۱. همان، ج ۷، ص ۶۵۱.

۲. همان، ج ۲۰، ص ۵۰۷.

۳. هود: ۹.

۴. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۵۶.

روزی] به آنان روی می آورد، خود را شایسته آن می پنداشتند و می گفتند: این ویژه ماست [و بر اساس استحقاق و لیاقت نصیب ما شده است]؛^۱ در حالی که نعمت ها تفضل خدا بر انسان اند، نه بر پایه استحقاق او.^۲

ب) پندار صاحب اختیار نعمت بودن: خدای سبحان کفرپیشگانی را نکوهش می کند که خود را «مالک» نعمت می پندارند و بر پایه این پندار نادرست، می گویند به دلخواه خود و هرگونه بخواهم در این نعمت تصرف می کنم و کسی حق ندارد مرا از آن تصرف بازدارد یا از من حساب بکشد:^۳ «وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي: ^۴ و سوگند که اگر پس از رنجی که به او رسیده است، از خود رحمتی به او بچشانیم، خواهد گفت این از آن من و در اختیار من است». ^۵ در منطق قرآن کریم، انسان از سوی خدا و با اذن او مالک است و چون نماینده مالک حقیقی است، همه تصرفاتش باید به اذن او و مطابق فرمان او باشند.^۶

ج) احساس کاذب امنیت، شادمانی و به خودبالیدن: طبع انسان چنین است که اگر پس از رفع گرفتاری به نعمتی برسد، احساس کاذب امنیت می کند و خاطر جمع می شود که دیگر شدايد و مصایب پیشین باز نمی گردند.^۷ همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید: «وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ»^۸ سوگند که اگر پس از گزندگی که به او رسیده است، نعمتی به او بچشانیم، خواهد گفت همه دشواری ها از من دور شد و می پندارد که دیگر رنجی به او نمی رسد؛ چراکه او بسیار شادمان و به خودبالنده است».

د) کفران نعمت الهی: انسان به لحاظ طبیعت خود (نه به لحاظ فطرتش) اهل کفران نعمت است، هرچند هنگام گرفتاری، به نعمت و ولّی نعمت اقرار داشته باشد.^۹ به فرموده قرآن: «وَإِذَا

۱. اعراف: ۱۳۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۷، ص ۶۸۲-۶۸۳.

۲. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱، ص ۴۴۲.

۳. ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۴۰۲.

۴. فصلت: ۵۰.

۵. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۷، ص ۶۸۵.

۶. همان، ج ۱، ص ۳۹۵ و ج ۲، ص ۱۶۸.

۷. ر.ک: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۳۳-۲۳۴.

۸. هود: ۱۰.

۹. هود: ۱۰. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۷۴.

مَسَّ النَّاسَ ضَرْ دَعَا رَبَّهُمْ مُبِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يَشْكُرُونَ^۱ و آن‌گاه که اندک زبانی به مردم برسد، پروردگار خود را درحالی که به سوی او بازآمده‌اند، می‌خوانند تا رنج و سختی را از آنان بگرداند؛ ولی آن‌گاه که خدا اندک رحمتی از خود به مردم بپشاند، گروهی از آنان بی‌آنکه انتظار رود، به شرک می‌گرایند و برای پروردگار خویش شریک می‌گیرند».

هـ) شادمانی غافلانه: طبع انسان سرگرم به دنیا و غفلت از یاد خداست و هرچه نعمت را به یادش آورند، خوشحالی از نعمت نمی‌گذارد به یاد خدا بیفتند و چنین کسی همواره در غفلت از یاد پروردگار خویش است؛ در ناز و نعمت باشد یا در عذاب^۲ و به فرموده خداوند: «وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَحَرَّ بِهَا^۳ همانا چون آدمی را از خود نعمتی بپشانیم، بدان شادمان می‌شود [و ما را از یاد می‌برد]». «فرح به رحمت» کنایه است از سرگرم شدن به نعمت و فراموش کردن مُنعم^۴.

و) روی‌گردانی از خدا، تکبر و گردن‌فرازی: انسان تربیت‌نایافته‌ای که قلبش به نور معرفت الهی و ایمان به پروردگار و احساس مسئولیت در روز جزا روشن نشده و کسی که بر اثر جهان‌بینی باطل در محدوده عالم ماده گرفتار است و روح بلندی ندارد که ماورای عالم ماده را ببیند و ارزش‌های والای انسانی را بنگرد، هنگام دستیابی به نعمت از خدا روی می‌گرداند و با تکبر از حق دور می‌شود: «وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ^۵ و چون به انسان نعمت بخشیم، از ما روی برمی‌تابد و خود را به کناری می‌کشد و گردن‌فرازی می‌کند».

۲. منطق کافران در برابر حوادث ناگوار

بر اساس آیاتی از قرآن کریم، کافران در برابر رخدادهای تلخ، چندگونه گفتار و رفتار و برخورد دارند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

الف) خرافه‌گرایی و فرافکنی: بر اساس آیه «وَإِنْ تُصِيبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ

۱. روم: ۳۳.

۲. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۰۰.

۳. شوری: ۴۸.

۴. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۰۰.

۵. فصلت: ۵۱. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۲۰-۳۲۳.

مَعَهُ»^۱ آل‌فرعون هنگامی که بدی و آفتی (مانند قحطی و کمبود) به آنان می‌رسید، آن را نتیجه نحوست و بدقدمی موسای علیه السلام و همراهان وی می‌دانستند و به آنان فال بد می‌زدند. اگر کسی به خدای سبحان و قضا و قدر الهی معتقد نباشد، ناچار به خرافاتی مانند شانس خوب یا بد، نحس و بدقدمی، تطیر و مانند رو می‌آورد.^۲ همچنین به جای آنکه حسنه و سیئه (رخدادهای شیرین و تلخ) را آزمون الهی و نیز رخدادهای ناگوار را ثمره تلخ تبهکاری‌های خود بداند، به فرافکنی روی می‌آورد و آنها را نتیجه بدقدمی پاکان و اولیای خدا می‌داند.

ب) ناامیدی شدید: طبع و طبیعت آدمی (نه فطرتش) چنین است که اگر نعمتی از نعمت‌های الهی نصیبش شود و سپس آن نعمت از او گرفته شود، با ناامیدی مواجه می‌گردد و به شدت مأیوس می‌شود؛ تا آنجا که گویی بازگشت مجدد آن نعمت را ناممکن می‌داند؛ آن‌گاه چنان به کفران نعمت خدا می‌پردازد که گویی خود را طلبکار خدا در آن نعمت می‌داند و آن را حق ثابت خود می‌پنداشت و خدا به دادن آن محکوم است و گویا اصلاً خدا را مالک آن نعمت نمی‌دانسته است.^۳ خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيُؤْسِكُفُورٌ»^۴ سوگند که اگر از خود رحمتی به انسان بچشانیم و نعمتی در اختیارش نهیم و سپس آن را از وی بازگیریم، او از آنکه بار دیگر به نعمت‌هایی رسد، ناامید می‌شود و نعمت‌هایی را که داشته ناسپاسی می‌کند [آنها را داده خدا نمی‌داند].^۵ ناامیدی شدید چنین انسانی در جای دیگر این‌گونه بیان شده است که انسان از خواستن خوبی‌ها خسته نمی‌شود و اگر بدی‌ای به او رسد، بسیار ناامید می‌گردد: «لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُؤْسِ قَنُوطٌ».^۶ راز ناامیدی وی این است که می‌بیند اسبابی را که بر آنها تکیه داشت، همه از کار افتاده‌اند.^۷

ج) ظاهری‌بینی و سطحی‌نگری: نگرش مردم ظاهر‌بین و سطحی‌نگر از ظاهر نعمت و نعمت فراتر نمی‌رود و باطن امور را نمی‌بینند؛ پس همین که به نعمتی دست می‌یابند، خوشحال می‌شوند؛ بی‌آنکه بیندیشند این امر به دست خود آنان نیست و این خداست که به مشیت خود

۱. اعراف: ۱۳۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۷، ص ۶۸۲ - ۶۸۳.

۲. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۷، ص ۶۸۲.

۳. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۵۶.

۴. هود: ۹.

۵. فصلت: ۴۹. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۷، ص ۶۸۵.

۶. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۶۱۰.

نعمت را به ایشان رسانده است و اگر او نمی‌خواست، نمی‌رسید و همین که نعمتی را از دست می‌دهند، ناامید می‌شوند؛ چنان‌که گویی خدا در این میان هیچ‌کاره است و ازدست‌رفتن نعمت به اذن خدا نبوده است.^۱ خداوند دربارهٔ این‌گونه افراد می‌فرماید: «إِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ»^۲ و چون به مردم اندک رحمتی بپخشانیم، به آن شادمان می‌شوند و اگر بر اثر کارهای ناروایی که دست‌آورد مردم است گزندى به آنان برسد، بی‌درنگ نومید می‌شوند».

د) ناسپاسی: طبیعت انسان سرگرم به دنیا، غفلت از یاد خداست؛ چنانچه نعمت را به یادش آورند، خوشحالی از نعمت نمی‌گذارد به یاد خدا بیفتد و چنانچه عذاب و مصیبتی را که ثمره کارهای پیشین اوست به یادش آورند، باز طبع کفران‌گرش نمی‌گذارد به یاد پروردگارش بیفتد. پس چنین کسی همواره در غفلت از یاد پروردگار خویش است؛ چه در ناز و نعمت باشد و چه در عذاب. بنابراین دیگر بعید است دعوت او مؤثر افتد و موعظت به او سود بخشد.^۳ خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ»؛ اگر برای گناهانی که انسان‌ها پیش‌تر کرده‌اند بدی و رنجی به آنان رسد، ناسپاسی می‌کنند که همانا انسان چون به دنیا روی آورد، بسیار ناسپاس می‌شود».

ه) اصرار و تقاضای فراوان: انسان تربیت‌نیافته‌ای که قلبش به نور معرفت الهی و ایمان به پروردگار روشن نشده است، هنگام گرفتاری و ازدست‌دادن نعمت، به یاد خدا می‌افتد و تقاضای فراوان و زیادی برای برطرف‌شدن آن دارد و در دعایش اصرار می‌ورزد: «وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَوَدُّ دُعَاءَ عَرِيضٍ»؛^۴ یعنی و چون بدی به او رسد، به دعا روی می‌آورد و برای برطرف‌شدن آن ما را بسیار می‌خواند.^۵

۱. همان، ج ۱۶، ص ۱۸۴.

۲. روم: ۳۶.

۳. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۶۸.

۴. شوری: ۴۸.

۵. فصلت: ۵۱.

۶. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۲۰-۳۲۳؛ سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی

تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۴۰۳.

شبيه همین مضمون در سورة «یونس» چنین آمده است: «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱ و چون رنجی به انسان رسد، برای زدودن آن، ما را در هر حال، به پهلویش آرمیده یا نشسته یا ایستاده می‌خواند. و چون رنجش را بزداییم، چنان می‌گذرد و ما را از یاد می‌برد که گویی برای رنجی که به او رسیده بود ما را نخوانده است. بدین سان برای کسانی که در بهره‌وری از لذت‌های دنیا زیاده‌روی می‌کنند، کارهایشان آراسته شده است».

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. جواد آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱، چ ۸، قم: اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۲. _____، تسنیم، ج ۷، چ ۴، قم: اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۳. _____، تسنیم، ج ۱۰، چ ۳، قم: اسراء، ۱۳۸۹ ش.
۴. _____، تسنیم، ج ۱۶، چ ۲، قم: اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۵. _____، تسنیم، ج ۲۰، چ ۱، قم: اسراء، ۱۳۸۹ ش.
۶. صالح، صبحی، نهج البلاغه، ج ۱، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: اعلمی، ۱۳۹۳ ق.
۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

مؤلفه‌های نابودی رژیم صهیونیستی از دیدگاه قرآن

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی غرسان روزبهانی*

اشاره

نابودی رژیم صهیونیستی نه تنها خواسته سیاسی یا شعار محور مقاومت، بلکه حقیقتی وعده داده شده در سنت‌های الهی و آیات قرآن کریم است. قرآن کریم تاریخ را صحنه رویارویی دائمی دو جبهه حق و باطل معرفی می‌کند؛ جبهه‌ای که در رأس آن اهل ایمان، مجاهدان و صالحان‌اند؛ از سوی دیگر، جبهه‌ای که در آن طاغوت‌ها، مستکبران و مفسدان جهان قرار دارند. بر اساس این دیدگاه، رژیم صهیونیستی که نماد معاصر طغیان، فساد و استکبار در منطقه و جهان است، به طور طبیعی در مسیر سقوط و نابودی خویش قرار دارد. قرآن کریم از طریق سنن الهی همچون سنت «نصرت مؤمنان»، «افشای باطل و اتمام حجت» و «پایان مهلت ظالمان» قواعدی را بیان می‌کند که مطابق آنها هر نظام طغیانگری دیر یا زود به نابودی می‌انجامد. این نوشتار با تکیه بر تفاسیر معتبر شیعی و تحلیل متون قرآنی، این سه مؤلفه اساسی را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که نابودی رژیم صهیونیستی یک نتیجه محتوم بر اساس قانونمندی‌های الهی است که در قرآن تبیین شده است.

قرآن کریم جهان را عرصه عمل به قوانین حاکم بر هستی می‌داند. این قوانین برخلاف تصور مادی‌گرایان، صرفاً مبتنی بر قدرت نظامی و اقتصادی نیست، بلکه متکی بر اراده الهی و سنت‌های تغییرناپذیر اوست که بر جوامع حاکم است. رژیم صهیونیستی بر پایه استکبار، اشغالگری، تجاوز و انکار حق بنی آدم شکل گرفته است؛ عناصری که در قرآن مترادف با «ظلم» و «طغیان» هستند. آیات متعددی بیان‌کننده این سنت هستند که هیچ ظالمی در نهایت پایدار

* محقق رسمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

نخواهد ماند و قدرت او هرچند عظیم به نظر آید، محکوم به زوال است. این نوشتار سه مؤلفه اصلی را برای اثبات این ادعا بررسی می‌کند که در ادامه به تبیین این سه مؤلفه از دیدگاه آیات الهی پرداخته می‌شود:

(الف) سنت نصرت مؤمنان و ضرورت وجود جبهه مقاوم: تحقق وعده الهی وابسته به حضور و عمل مؤمنان است.

(ب) سنت افشای باطل و اتمام حجت: فروپاشی پوشش‌های ظاهری و آشکارشدن حقیقت، زمینه زوال باطل را فراهم می‌آورد.

(ج) سنت امهال و پایان مهلت: مهلت‌دادن به ظالمان، موقتی است و پایان آن حتمی است.

۱. وجود گروهی از مؤمنان اهل جهاد، استقامت و یاری دین خدا

نخستین و بنیادی‌ترین مؤلفه در پیروزی جبهه حق و نابودی نظام‌های باطل، وجود گروهی از مؤمنان اهل ایمان، جهاد و استقامت است که فعالانه در مسیر یاری دین خدا گام برمی‌دارند. این سنت قرآنی، نصرت الهی را مشروط به آمادگی‌های درونی و بیرونی مؤمنان می‌داند.

(الف) آیه نصرت و فتح قریب

قرآن کریم به صراحت وعده یاری و پیروزی نزدیک را مشروط به تحقق ایمان حقیقی و جهاد می‌داند: «...نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ یاری و پیروزی نزدیکی از جانب خداست و مؤمنان را [بدان] بشارت ده».

علامه طباطبایی در المیزان ذیل این آیه تأکید می‌کند وعده «فتح قریب» فقط یک بشارت صرف نیست، بلکه نتیجه طبیعی جهاد مستمر و همراهی آن با ایمان راسخ است. ایمان در اینجا به معنای صرف اعتقاد قلبی نیست، بلکه ایمان، عملی است که فرد را به حرکت و مقابله با ظلم وادار کند. علامه طباطبایی معتقد است: «این نصرت به کسانی وعده داده شده که ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کنند. هرگاه این شرایط جمع شود، نصرت الهی حتمی است».^۲ این سخن بدان معناست که بدون ایستادگی و جهاد، نصرت محقق نمی‌شود.

۱. صف: ۱۳.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۳۶۵.

ب) نقش حواریون و مصداق‌سازی در طول تاریخ

این مؤلفه در آیه بعد سورة «صف» نیز تکرار می‌شود؛ آنجا که حضرت عیسیٰ علیه السلام یاران خود را به نصرت دین الهی فرامی‌خواند و می‌فرماید: «... قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنْتَ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ»^۱ عیسی بن مریم به حواریون گفت یاران من در راه خدا چه کسانی اند؟ حواریون گفتند ما یاران خداایم؛ پس طایفه‌ای کفر ورزیدند و کسانی را که گرویده بودند، بر دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شدند».

مفسران بر این نکته تأکید دارند که این سنت و ویژه زمان پیامبران گذشته نیست، بلکه الگویی برای تمام دوران‌هاست. تفسیر نمونه ذیل آیات پیش‌گفته یادآور می‌شود این وعده نصرت اختصاص به امت خاصی ندارد و سنتی عام در طول تاریخ است؛ بنابراین هر امتی که در مسیر حق و جهاد فی سبیل الله قرار گیرد، مورد تأیید الهی قرار گرفته است و بر دشمنان خود پیروز می‌شود.^۲

امروزه شکل‌گیری جبهه مقاومت اسلامی متشکل از ملت فلسطین، حزب الله لبنان، گروه‌های مقاومت در یمن و ایران و نیروهای مؤمن در منطقه، مصداق عینی تحقق این وعده الهی است. این جبهه با تکیه بر ایمان و مقاومت در برابر قدرت‌های برتر نظامی و پشتیبانی‌های جهانی، بارها توانسته است قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی را درهم‌شکند. مقاومت در برابر تهاجمات مانده جنگ ۳۳ روزه لبنان (۲۰۰۶) و درگیری‌های اخیر در غزه، نشان داد سلاح ایمان و اراده شکست‌ناپذیر، می‌تواند ابهت نظامی استکبار را درهم‌شکند. این پیروزی‌ها تجلی عملی آیه شریفه است: «... فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ»^۳ و کسانی را که گرویده بودند، بر دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شدند».

مقاومت فقط اقدامی نظامی نیست، بلکه تداوم حرکت بر مدار حق است. خداوند بر «صبر» و «استقامت» تأکید فراوان دارد؛ از این‌رو در سورة «انفال» به مؤمنان می‌گوید: «يَا أَيُّهَا

۱. صف: ۱۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۹۵.

۳. صف: ۱۴.

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاَتْبَعُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون با گروهی برخورد می‌کنید، پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید؛ باشد که رستگار شوید». ثبات قدم در برابر تهاجم، بزرگ‌ترین شرط برای نزول نصرت الهی است. رژیم صهیونیستی بر پایه‌های سستی استوار است که بر پایه ظلم بنا شده است؛ درحالی‌که جبهه مقاومت بر پایه ایمانی است که هرگز تضعیف‌پذیر نیست.

۲. آشکارشدن چهره واقعی رژیم صهیونی و اتمام حجت با جهانیان

دومین مؤلفه اساسی در نابودی رژیم‌های باطل، سنت الهی مبنی بر آشکارسازی ماهیت واقعی آنان و در نتیجه، اتمام حجت با مردم جهان است. باطن باطل همواره می‌کوشد با آرایش‌های فریبنده، چهره‌ای مشروع از خود نشان دهد؛ اما سنت الهی بر این است که این پرده‌ها در نهایت کنار زده شوند.

الف) زوال ذاتی باطل با ظهور حق

قرآن کریم این قاعده کلی را در سوره «اسراء» بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۲ و بگو حق آمد و باطل نابود شد؛ آری، باطل همواره نابودشدنی است».

مفسران بزرگ مانند علامه طباطبایی، تأکید کرده‌اند «زهوق» (نابودشدن و از بین رفتن) ماهیت ذاتی باطل است. باطل عین نیستی و عدم است؛ بنابراین به محض طلوع نور حق، باطل توان مقاومت ندارد و زوال آن حتمی است.^۳

تا زمانی که چهره رژیم صهیونیستی در پوشش‌هایی چون «تنها دموکراسی منطقه» یا «قربانی همیشگی» پنهان بود، مقاومت جهانی در برابر آن کند پیش می‌رفت؛ اما امروزه به‌ویژه در تحولات اخیر، ماهیت خشونت‌آمیز، نژادپرستانه و نسل‌کش آن برای بخش بزرگی از جهان آشکار شده است. جنایات بی‌سابقه در غزه، نقض مداوم قوانین بین‌المللی و استفاده از ابزارهای نظامی برای تخریب زیرساخت‌ها، همان «زهوق» را برای این باطل به ارمغان می‌آورد.

۱. انفال: ۴۵.

۲. اسراء: ۸۱.

۳. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۹.

ب) مکر الهی و کید دشمنان علیه خودشان

قرآن کریم تدبیر الهی را بر هر تدبیری چیره می‌داند. این سنت بیان می‌کند که دشمنان حق، غالباً ابزار نابودی خویش را در کانون اقدامات خود فراهم می‌آورند: «وَمَكْرُوا اللَّهَ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»^۱ و [دشمنان] مکر ورزیدند و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است». طبرسی در مجمع‌البیان این آیه را مربوط به واکنش خداوند در برابر مکر دشمنان می‌داند؛ یعنی خداوند نقشه‌های آنان را چنان سامان می‌دهد که خودشان سبب زوال خویش شوند.^۲

درباره رژیم صهیونیستی می‌توان مشاهده کرد که استراتژی‌های نظامی و سیاسی افراطی این رژیم، به جای تقویت موقعیت آن، منجر به انزوای بین‌المللی، شکست‌های اطلاعاتی و نظامی در برابر نیروهای مقاومت و تقویت بنیان‌های درونی جبهه مقاومت شده است. هرچه خشونت بیشتر می‌شود، حمایت جهانی از مقاومت فلسطین افزایش می‌یابد و مشروعیت این رژیم بیش از پیش در مجامع بین‌المللی سلب می‌شود. این همان کید الهی است که رژیم صهیونیستی را از درون و بیرون تحلیل می‌برد.

ج) نقش امت اسلام در بلاغ مبین

اتمام حجت فقط کار خدا نیست، بلکه وظیفه‌ای بر دوش مؤمنان است. آنان موظف به «بلاغ مبین» (رساندن پیام روشن) هستند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «...وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»^۳ و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار [مأموریتی] نیست». جبهه مقاومت با تکیه بر رسانه‌های جدید و دیپلماسی منطقه‌ای، این وظیفه را به بهترین وجه انجام داده است. انتشار مستمر تصاویر و مستندات جنایات، افشای دروغ‌های پروپاگاندا و روایت‌گری از مقاومت، سبب شده است افکار عمومی جهان به‌ویژه در کشورهای غربی، شاهد تضاد میان تبلیغات رسمی و واقعیت‌های میدانی باشند. این بیداری جهانی یکی از پیش‌نیازهای نابودی کامل رژیم صهیونیستی است؛ زیرا قدرت آن در حمایت‌های بین‌المللی و پنهان‌کاری ریشه دارد.

۱. آل عمران: ۵۴.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۵۲۶.

۳. نور: ۵۴.

۳. پایان مهلت الهی برای کفار و طغیانگران

سومین مؤلفه که مسیر نابودی رژیم صهیونیستی را نهایی می‌کند، رسیدن به پایان «امهال» (مهلت‌دادن) است. قرآن کریم به ظالمان مهلتی می‌دهد تا ظرفیت طغیان خود را تکمیل کنند و حجت بر آنان تمام شود؛ اما این مهلت، موقتی و محدود است.

الف) سنت امهال و «رَوَیدَا»

قرآن با لحنی قطعی به پیامبر دستور می‌دهد که در برابر دشمنان عجله نکند؛ زیرا خداوند برای آنان زمانی تعیین کرده است: «فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رَوَیدَا:»^۱ پس کافران را مهلت ده و کمی آنان را به حال خود واگذار.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه توضیح می‌دهد «رَوَیدَا» به معنای اندک و کوتاه است. این مهلت فرصتی برای افزایش ظلم و گناه است تا سقف طغیان پر شود و عذاب الهی بر اساس سنت تبدیل استدراج به عقوبت نازل گردد.^۲ این مهلت، نشانه رضایت خداوند نیست، بلکه اوج آزمایش الهی برای آن طاغوت است.

ب) شمارش اعمال و نزدیک شدن پایان

این مفهوم در آیات دیگر با شدت بیشتری تکرار شده است؛ تأکید بر اینکه خداوند اعمال آنان را به دقت ثبت می‌کند و می‌فرماید: «فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعِدُّ لَهُمْ عَذَابًا:»^۳ پس بر ضد آنان شتاب مکن که ما [روزها] را برای آنها شماره می‌کنیم». تفسیر نمونه در توضیح این آیه می‌فرماید: «عَدًّا، یعنی شمارش دقیق لحظات و نفس‌های آنان. این شمارش نشان‌دهنده آن است که عمر سلطه باطل، هرچقدر طولانی به نظر رسد، دارای حد و مرزی است که فراتر از آن، نابودی فراخواهد رسید».^۴

رژیم صهیونیستی با اتکا به پشتیبانی‌های قدرت‌های بزرگ، کوشیده است از هرگونه پاسخ‌گویی بگریزد و خود را مصون از هر پیامد تاریخی بداند؛ اما قرآن می‌آموزد که این

۱. طارق: ۱۷.

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۲۲۶.

۳. مریم: ۸۴.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۳۸.

مصونیت، توهمی بیش نیست. اقدامات اخیر این رژیم به‌ویژه در غزه، نشان از اوج‌گیری جنون‌آمیز طغیان دارد که غالباً مقدمه فروپاشی سریع و انتظارناپذیر نظام‌های مستکبر است. وقتی ظالم احساس می‌کند که هر کاری می‌تواند انجام دهد و پاسخی دریافت نخواهد کرد، در حال سقوط است.

ارتباط مؤلفه‌های سه‌گانه

تحقق دو مؤلفه اول (نصرت مؤمنان و افشای باطل) مستقیماً بر زمان تحقق مؤلفه سوم (پایان مهلت) اثر می‌گذارد. هرچه جبهه ایمان قوی‌تر و جهاد مؤثرتر باشد و هرچه چهره باطل بیشتر آشکار شود، خداوند این مهلت را کوتاه‌تر می‌کند. بنابراین فعال‌بودن مؤمنان در جهاد و روشنگری نه تنها برای پیروزی‌های کوتاه‌مدت، بلکه برای تسریع در اتمام مهلت الهی لازم است. فرعون‌ها و نمرودها با اتمام پیمانه ظلم خود سقوط کردند، و امروز نشانه‌های پرشدن پیمانه ظلم صهیونیست‌ها از طریق مقاومت و افشاگری جهانی مشاهده می‌شود.

بنابراین بر اساس سه مؤلفه مطرح، می‌توان گفت مسیر نابودی رژیم صهیونیستی بر اساس سنن قرآنی، وارد مرحله نهایی خود شده است. وعده قرآنی «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۱ به‌صراحت اعلام می‌کند حمایت الهی از یاری‌کنندگان دینش، یک اصل تغییرناپذیر است. این نصرت درنهایت به پیروزی مستضعفان منجر خواهد شد.

به تعبیر علامه طباطبایی، تاریخ امت‌ها تابع سنن الهی است، نه خواست قدرت‌ها؛ بنابراین هرگاه ملتی در مسیر ایمان و جهاد گام بردارد، سقوط طاغوت‌ها محتوم است. نابودی رژیم صهیونیستی از منظر قرآن نه حادثه‌ای تصادفی، بلکه تحقق همان وعده الهی است که می‌فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۲. جبهه مقاومت و ملت مظلوم فلسطین مصداق روشن مستضعفانی هستند که وعده خلافت زمین به آنان داده شده است؛ همچنین امروز نشانه‌های این وعده در مقاومت نسل‌های نو و فروپاشی درونی اسرائیل هویداست که بر اساس سنت‌های تغییرناپذیر قرآن، سرنوشت محتوم آنان رقم خواهد خورد.

۱. حج: ۴۰.

۲. قصص: ۵.

نتیجه

نابودی رژیم صهیونیستی بر سه پایه ذیل استوار است:

۱. تشکیل جبهه نصرت: جبهه مقاومت اسلامی به مثابه مصداق عینی «انصارالله»، شرایط نصرت الهی را فراهم آورده است. مقاومت امروز نه یک گروه کوچک، بلکه ائتلافی منطقه‌ای است که ایمان و اراده را در برابر قدرت مادی قرار داده است.
۲. افشای کامل ماهیت: چهره واقعی رژیم صهیونیستی در جایگاه پروژه‌ای استعماری و اشغالگر، برای بخش عظیمی از جامعه جهانی آشکار شده است. این افشاگری موجب از بین رفتن مشروعیت آن در نظام بین‌الملل شده است و آن را در معرض سقوط داخلی و انزوای خارجی قرار داده است.
۳. نزدیک شدن پایان مهلت: شدت اقدامات تروریستی و ظلم، نشان‌دهنده اوج گرفتن مرحله استدراج است که مقدمه نابودی قطعی است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.